

جایگاه پیوند های متقابل حقوق بشر و حقوق کیفری در دادرسی

صدیقه تومانی^۱، علی پور جواهری^۲

^۱دانشجوی کارشناسی ارشد ناپیوسته رشته حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج

^۲استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج

چکیده

حقوق کیفری در سیر تحولاتی که داشته است، از مرحله جرم مداری، به مرحله مجرم مداری و سپس، بزه دیده مداری در حرکت بوده است. در مرحله مجرم مداری، به حمایت از حقوق متهمان در پرتو موازین دادرسی عادلانه و منصفانه تمرکز داشته و پس از تضمین نسبی این حقوق، وارد مرحله بزه دیده مداری گردیده است. نظام حقوق کیفری ایران نیز، کم و بیش، این سیر تحولات را به خود دیده است، لیکن در این نظام حقوقی، قبل از اینکه حقوق متهمان و به طور دقیق تر، مظنونان، متهمان و محکومان بی گناه به نحو مطلوب تضمین گردد، به صورت همزمان حقوق بزه دیدگان مورد توجه قرار گرفته است. نوشتار پیش رو، با در نظر گرفتن این مسئله و با توجه به ضعف رویه قضایی ایران در به اجراگذاری مفاد اصل ۱۷۱ قانون اساسی و ماده ۵۸ ق.م.ا سابق مصوب ۱۳۷۰، به بررسی این مهم پرداخته است و فرایند عملی خسارت زدایی از «شهروندان ناکرده بزه، ولی مظنون و متهم» و آثار مترتب بر آن را در نظام دادرسی کیفری حال و آینده (وفق قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) مورد بررسی و تحلیل انتقادی قرار می دهد. تغییرات تقنینی شکلی و ماهوی در سال ۱۳۹۲، ناهماهنگی هایی را در ارتباط با فرایند جبران خسارت از بزه دیدگان قضایی موجب گردیده، به گونه ای که باید مفاد ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰ را نسخ شده دانست پژوهش حاضر با هدف حقوق بشر و دادرسی عادلانه در قانون آیین دادرسی کیفری طراحی و تدوین مراجع رسیدگی کیفری در موقعیت و جایگاه حساسی قرار دارند و همین موضوع، اهمیت فرایند دادرسی عادلانه کیفری را دو چندان می کند. فرایندی که برای دستیابی به حقیقت و عدالت واقعی، نیازمند رویارویی طرف های دعوی است. همین رویارویی، تضمین کننده اولیه بی طرفی است و بدون آن، تحقق عدالت واقعی امکان پذیر نیست. در نظام عدالت کیفری ایران، برخی معیارها و ضوابط دادرسی عادلانه، نظیر فرض برائت دارای قدمتی طولانی هستند؛ اما برخی دیگر، نظیر لزوم اطلاع رسانی به متهم و خانواده وی، اعلام حق سکوت، اعلام حق داشتن وکیل، لزوم معقول بودن مهلت بازداشت و... چندان مورد توجه مقنن واقع نشده اند. به دلیل کاستی ها و نواقص آیین دادرسی کیفری در کشورمان، اخیراً در سال ۱۳۹۲ قانون جدیدی به تصویب رسیده است. نتایج حاصل از اجرای آن، در جهت تضمین حقوق و منافع طرف های دعوی است، هر چند ممکن است آثار منفی محدودی هم داشته باشد ولی راهکار رفع این آثار منفی هم وجود دارد و اصولاً دادرسی عادلانه و واقعی در پرتو عمل به آن، امکان پذیر است. در ضمن بر این اصل، استثنائاتی بنا بر وجود مصالحی خاص، وارد شده است.

واژه های کلیدی: حقوق بشر، دادرسی عادلانه، قانون، آیین دادرسی کیفری

مقدمه

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، نظام دادرسی کیفری در ایران به تبعیت از حقوق فرانسه برپایه نظام دادرسی مختلط شکل گرفته بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، سعی بر این شد که کلیه امور قضایی، فرهنگی، سیاسی و غیراین ها بر مدار فقه اسلامی قرار گیرد. به ویژه کوشش به عمل آمد تا قضاء و دادرسی به صورت کاملاً اسلامی درآید و از اعمال و اجرای قوانین خلاف شریعت مقدس اسلام پرهیز شود. طبق اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حاکمیت و تشریح از آن پروردگار است و وحی الهی در بیان قوانین نقش بنیادی دارد. و همچنین براساس اصل چهارم همین قانون کلیه قوانین و مقررات مدنی و جزایی باید براساس موازین اسلامی باشد. و براساس اصل (۱۶۳) صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به وسیله قانون معین می‌گردد. و بر طبق اصل (۱۵۸) کشف جرم، تعقیب، مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون اسلامی و اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین از وظایف قوه قضائیه می‌باشد.

بنابراین با توجه به اصول متعدد قانون اساسی و لزوم انطباق کلیه قوانین و مقررات کشور با موازین شرع و انطباق قوه قضائیه با نظام قضاء اسلامی، قانونگذار ایرانی دچار آشفتگی و سرعت در قانونگذاری شد و قوانین متعددی در زمینه سازمان قضایی مراجع بدوی و تجدیدنظر به تصویب رساند. در همین راستا در سال ۱۳۷۳ با تصویب قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب به بهانه هرچه اسلامی تر کردن دادرسی و مراجعه مستقیم به قاضی، نهاد نود ساله دادسرا از سیستم قضایی حذف شد و کلیه مراحل پنج‌گانه دادرسی کیفری در اختیار شخص واحدی به نام قاضی دادگاه قرار گرفت. در سال ۱۳۷۸ نیز قانون آیین دادرسی کیفری متناسب با این سیستم به تصویب رسید. اما به زودی معایب بی‌شمار نظام قضایی بدون دادسرا و مراجعه مستقیم به قاضی، که باعث تراکم بیش از حد پرونده‌ها در دادگستری گردید، سبب شد تا در سال ۱۳۸۱ با اصلاح قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب، دادسرا مجدداً احیا گردید و به دلیل اهمیت این قانون گاه از آن به عنوان قانون «احیای دادسرا» نیز نام برده می‌شود. بنابراین با تصویب این قانون مجدداً نظام مختلط (دادسرا-دادگاه) مورد اقبال مقنن قرار گرفت.

هرچند برخی از حقوقدانان معتقدند، که قانونگذار با تصویب مواردی همچون اختیار دادستان در انتخاب قاضی تحقیق و حق تحقیق و رسیدگی مقدماتی در تعداد زیادی از جرایم، محرومیت وکیل از مداخله در جریان تحقیقات مقدماتی و حتی محرومیت از حضور در برخی جلسات تحقیق (آنجا که قاضی تشخیص می‌دهد)، عدم پیش‌بینی حق سکوت برای متهم، ضابطه‌مند نبودن بازجویی از متهم، مبهم بودن وضعیت شخص تحت نظر در مدت بازداشت، غیر ترافیعی بودن تحقیقات، عدم شناسایی حق مطالعه پرونده توسط وکیل متهم و ... نظام دادرسی کیفری ایران را از نظام مختلط به سمت نظام دادرسی تفتیشی سوق داده است. اما برخی از حقوقدانان معتقدند، که این نظر نمی‌تواند صحیح باشد، چرا که نظام دادرسی ایران با پذیرفتن تفکیک مرحله تحقیق از مرحله دادرسی گرایش به سمت نظام دادرسی مختلط پیدا کرده است. اما در مرحله تحقیق از تحولات جهانی در زمینه حقوق بشر و حقوق متهم که بیشتر در این مرحله شاهد تحولات بسیار زیادی در حقوق کشورهای مختلف شده است، عقب مانده و متناسب با آن به اصلاح مقررات آیین دادرسی کیفری اقدام ننموده است. به بیان دیگر «بیشترین و مهم ترین تغییرات نظام مختلط، در ویژگی تفتیشی بودن مرحله تحقیقات مقدماتی صورت گرفته است و این امر به ویژه در پرتو تصویب اسناد بین‌المللی مربوط به حقوق بشر پس از پایان جنگ جهانی دوم عملی شده است، اسنادی که در جهت تضمین حقوق دفاعی متهم در جریان تعقیب و محاکمه تنظیم شده‌اند».

آقای علی لاریجانی رییس مجلس شورای اسلامی طی نامه شماره ۱۶۵۲/۹۹ مورخ ۲۰ فروردین ۱۳۹۳ قانون آیین دادرسی کیفری را برای اجرا به رییس جمهور ابلاغ کرد. رییس جمهور هم طی نامه شماره ۳۲۳۲ مورخ اول اردیبهشت ۱۳۹۳ این

قانون را برای اجرا به وزیر دادگستری ابلاغ نمود. و نهایتاً این قانون در ویژه نامه قوانین شماره ۶۷۶ روزنامه رسمی شماره ۲۰۱۳۵ سال هفتادم چهارشنبه ۳ اردیبهشت ۱۳۹۳ منتشر شد. با وجود سپری شدن زمان مقرر برای اجرای این قانون اخباری مبنی بر تعویق اجرای قانون آیین دادرسی کیفری جدید منتشر می‌شد؛ ولی هیچ اطلاعاتی در مورد مبنای حقوقی و قانونی تعویق در اجرای قانون عنوان نمی‌شد. هر چند شورای نگهبان در ۳۳ مورد ایرادات مرحله نخست به طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی به ماده ۱۳۹ آن ایرادی نگرفته بود ولی کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی در اصلاحات انجام شده در مرحله دوم مصوب ۱۹ مرداد ۱۳۹۳ که طی نامه شماره ۲۰۱/۳۹۷۷۵ مورخ ۱۲/۶/۱۳۹۳ برای بررسی مجدد به شورای نگهبان ارسال شده بود، این ماده را هم اصلاح نمود، کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی در این مرحله با در نظر گرفتن اشکال ناشی از فاصله زمانی بین تصویب دو بخش قانون آیین دادرسی کیفری جدید شامل موادی که طی لایحه آیین دادرسی کیفری به تصویب رسیده بود و موادی که در قالب این طرح در جریان تصویب بود، تاریخ اول تیر ۱۳۹۴ را برای لازم الاجرا شدن مجموعه قانون آیین دادرسی کیفری جدید در نظر گرفت. اعمال این تغییر و تصریح تاریخ اول تیر ۱۳۹۴ در ماده ۱۳۹ را باید با در نظر گرفتن انتشار خبر رایزنی رییس قوه قضائیه با اعضای کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی در مورد تعویق زمان اجرای قانون آیین دادرسی کیفری در جلسه روز ۲۲ تیر ۱۳۹۳ اعضای این کمیسیون با رئیس قوه قضائیه، مورد توجه قرار داد. قانون آیین دادرسی کیفری "جدید" شامل قانون ۵۷۰ ماده ای آیین دادرسی کیفری مصوب ۴ اسفند ۱۳۹۲ کمیسیون حقوقی و قضائی مجلس شورای اسلامی به انضمام مواد ۵۷۱ تا ۷۰۹ الحاقی به آن طی طرح ۱۳۹ ماده ای با عنوان "آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی" مصوب ۸ مهر ۱۳۹۳ این کمیسیون است. زمان لازم الاجرا شدن این قانون جدید، اول تیر ۱۳۹۴ بود.

این قانون علاوه بر نکات بسیار مثبتی که در آن وجود دارد، ولی همچنان برخی از کاستی‌های نظام دادرسی عادلانه را به یدک می‌کشد. از جمله نواقص این قانون که ضوابط، معیارها و اصول مدون در اسناد بین‌المللی را رعایت ننموده است، می‌توان به افزایش اختیارات رییس قوه قضائیه در قلمرو اعاده دادرسی، افزایش اختیارات دادستان کل کشور، افزایش اختیارات ضابطان دادگستری (که برطبق قانون جدید از اجزای دادرسی شناخته شده‌اند)، افزایش اختیارات دادستان‌ها و به ویژه قاضی اجرای احکام کیفری، کاهش موقعیت دیوان عالی کشور که عالی‌ترین مرجع قضایی کشور به شمار می‌آید، و نیز اختیاری شدن تشریفات آیین دادرسی کیفری اشاره کرد، که به شدت می‌تواند حقوق اصحاب دعوی کیفری از جمله حقوق متهم را به خطر اندازد. به عنوان مثال به موجب تبصره ماده ۴۵۵ قانون مذکور «عدم رعایت تشریفات دادرسی موجب نقض رای نیست، مگر آنکه تشریفات مذکور به درجه‌ای از اهمیت باشد، که موجب بی‌اعتباری رای شود.» مشخص نیست، که معیار و ضابطه تشخیص این درجه از اهمیت چه چیزی می‌باشد. با عدم اجباری بودن اجرای تشریفات آیین دادرسی کیفری مواردی همانند اخذ تأمین نامتناسب و غیرقانونی از متهم، بازداشت ناروای متهم، تحصیل ادله به صورت غیرقانونی و یا عدم توجه به ادله، بازجویی بی جهت از متهم، بازرسی بی جهت از منازل و محیط شخصی و اسناد و مدارک متهم و عدم تفهیم اتهام و... اگر از درجه ای از اهمیت که در رای تأثیر گذار باشند، شناخته نشوند، رای صحیح و از لحاظ قانونی معتبر خواهد بود.

و یا بر اساس تبصره ۲ ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری که مقرر می‌دارد: «هرگاه مرتکب جرم پیش از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون شود، تا زمان افافه تعقیب و دادرسی متوقف می‌شود، مگر آنکه ادله اثبات جرم به نحوی باشد، که فرد در حالت افافه نیز نمی‌توانست از خود رفع اتهام کند. در این صورت به ولی یا قیم وی ابلاغ می‌شود که ظرف پنج روز نسبت به معرفی وکیل اقدام کند. در صورت عدم معرفی، صرف نظر از نوع جرم ارتكابی و میزان مجازات آن، وفق مقررات برای وی وکیل

تسخیری تعیین می‌شود و تعقیب و دادرسی ادامه می‌یابد.» که بر این اساس می‌توان متهم مجنون را بدون توجه بر حقوق دفاعی خود فرد، مورد محاکمه قرار داد. براساس اسناد بین‌المللی سالیان درازی است، که محاکمه متهمی که مجنون می‌باشد، ممنوع شناخته شده است.

در تبصره ۲ ماده ۱۹۰ مقرر شده است که «در جرائمی که مجازات آن سلب حیات یا حبس ابد است، چنانچه متهم اقدام به معرفی وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی ننماید، بازپرس برای وی وکیل تسخیری انتخاب می‌کند.» یعنی اگر متهمی اقدام به معرفی وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی نکند، بازپرس مکلف است که برای او وکیل تسخیری انتخاب کند، البته اگر جرایم از زمره جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور باشد، بازپرس قرار عدم دسترسی به وکیل را صادر می‌کند؛ که این می‌تواند حقوق دفاعی متهم را در جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی نقض نماید.

با توجه بر اینکه این قانون به تازگی به مرحله اجرایی رسیده، ضروری است که این قانون بسیار مهم و تاثیرگذار با توجه بر اسناد بین‌المللی در خصوص حقوق عمومی و اختصاصی متهم در فرآیند دادرسی کیفری مورد بررسی و تحلیل اساسی قرار گیرد.

می‌توان گفت که حق دادرسی عادلانه از جمله مفاهیم حقوقی بسیار مهم در قدیم الایام تا کنون در حلق داخلی و اسناد بین‌المللی بوده است اساساً رسیدن حق و احقاق از جمله مهمترین شاخصی بوده که بشریت همیشه در طول تاریخ دنبال آن بوده است و از طرف دیگر همچنان که در تاریخ می‌بینیم اولین قانون مدون به نام قانون حمورابی برای احقاق حق تدوین می‌گردد تا از این طریق مظلوم مورد ظلم بیشتر قرار نگیرد یا به عبارت امروزی بزه دیدگی مکرر ایجاد نشود و هر فرد به حقوق مادی و معنوی خود برسد. توجه به حقوق متهم و شاکی از موضوعات مهم در عرصه حقوق موضوعه و بین‌المللی تلقی می‌شود. این مسأله به صورتی دقیق در سیستم قانونگذاری اسلامی بر مبنای اصل کرامت انسان و اصل عدالت و امنیت مورد توجه خاص قرار گرفته است. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید «خداوند برای شما شهری را الگو معرفی کرده که در آن امنیت بسیار حکمفرما بود و مردم آن در آسایش و اطمینان زندگی می‌کردند و از هر جانب روزی فراوان به آنان می‌رسید» بی‌گمان تحقق عدالت و اجرای حق در جامعه با توجه به پیوند وثیق آن با مقوله تأمین امنیت قضایی شهروندان همواره از دغدغه‌های اجتماعی پیشوایان آسمانی و نیکاندیشان عالم بوده است. خداوند متعال در بیانی بلیغ به اجرای حق در امر قضاوت فرمان داده، می‌فرماید «چون بین مردم حاکم شوید به عدالت داوری کنید! امیرمؤمنان در ضرورت امارت برای حفظ حق و امنیت در خطبه ۴۰ نهج‌البلاغه می‌فرماید «برای مردم حاکمی لازم است، چه نیکوکار و چه بدکار، که مؤمن در عرصه حکومت او به راه حقش ادامه دهد و کافر بهره‌مند از زندگی گردد. راه‌ها به سبب او امن گردد و در امارت وی حق ناتوان از قوی گرفته شود تا مؤمن نیکوکار راحت شود و مردم از شر بدکار در امان گردند».

متهم از جهت اینکه جرم او ثابت نشده و در مظان اتهام قرار دارد از حقوقی برخوردار است که ریشه در قوانین مدون دولت‌ها و جدال سلیم انسان‌ها دارد. لذا فرض قرار دادن حقوق برای متهم از اصول اساسی قوانین کیفری ملی و بین‌المللی است. حقوق متهم با قدمتی نزدیک به سی سال در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و با قدمتی حدود ۹۵ سال در قانون اصول محاکمات جزایی و قانون آیین دادرسی کیفری، از زوایای مختلف به کرات مورد بررسی، نقد و کنکاش صاحب نظران قرار گرفته است. لیکن امروزه قسمت مهمی از بحث‌های حقوق بشری ناظر به آیین دادرسی کیفری و مفاهیم محاکمه عادلانه و منصفانه،

^۱ - (سوره نسا، آیه ۵۸)

حقوق شهروندی و به ویژه حقوق متهم در مراحل نخستین رسیدگی و در مواجهه با ضابطان و قضات تحقیق (دادیار، بازپرس و قاضی تحقیق) است.

تعاریف مفاهیم

معنای لغوی حق

ریشه «حق» و برخی مشتقات آن، در زبان عرب پیش از اسلام متداول بوده و دست کم در معنای اصلی واقعیت و راستی و بهره یا نصیب در اشعار و مثل‌ها به کار رفته است. همچنین، دو واژه حاکی از نام خدا، به صورت حق و حقت، در کتیبه های جنوب عربستان یافته شده است. در برخی دیگر از زبان های سامی باستانی، مانند عبری، کنعانی، آرامی و سریانی، اصل «ح ق» به صورت‌ها و معنای گوناگون رایج بوده است.^۲

معنای اصطلاحی حق

بی تردید «حق» یکی از مهمترین اجزای مقوم «اخلاق»، «حقوق» و «سیاست» در دنیای مدرن است. در این بخش به معنای اصطلاحی حق می پردازیم.^۳

مفهوم حق در قرآن

واژه «حَقّ» و مشتقات آن در قرآن ۲۸۷ بار در حوزه های معنایی گوناگون، به کار رفته است مهم ترین زمینه معنایی واژه «حَقّ» در قرآن، مربوط به مفاهیم وجود و هستی است. مطابق آیات قرآن، مصداق کامل و منشأ اصلی حق، خداوند است. علاوه بر این، «الحق» یکی از «اسماء الحسنی» است.^۴

مفهوم حق در دیدگاه فقهی

فقه های پیشین امامیه، به رغم طرح مسائلی درباره حق، به تعریف دقیق آن نپرداخته اند. در این میان، شهید اول که در بیان مفاهیم کلی فقه سابقه ای گسترده تر دارد، تنها به ویژگی قابلیت اسقاط حق، به عنوان "حق العبد" برای شناسایی آن، تکیه کرده است. شاید این فقها حق را نزد عرف حاکم در معاملات مفهومی روشن می دیده اند که نیازمند تعریف نیست. اما در میان متأخران از شیخ انصاری که اشاراتی به تعریف حق دارد، تا دوره معاصر، به این مهم پرداخته اند. شاید گستردگی و پیچیدگی بیش تر در قلمرو فقه و پی بردن به اهمیت بیش تر کارکرد حق و تفاوت آن با حکم، برای نظم بخشیدن هر چه بهتر مسائل فقهی، دست کم در حوزه معاملات، زمینه ساز پرداختن به تعریف دقیق حق بوده است.

مفهوم حق در علم حقوق

در علم حقوق، از حق تعاریف متعددی شده که به نظر حقوق دانان این تعدد تعاریف، ناشی از اختلاف نظر درباره مبنا و منشأ حق است. حقوق دانان حق را از جهات مختلف به اقسام گوناگون تقسیم کرده اند. پاره ای از این تقسیم بندی ها در فقه اسلامی کم سابقه یا بی سابقه است، مانند تقسیم به حق عینی و دینی و نیز حق مطلق و نسبی.

یکی از مهم ترین نکات در تاریخ پیدایش مفهوم و پدیده حق، مربوط به تفکیکی می شود، که میان دو مفهوم «حق بودن» و «حق داشتن» پدیدار شده است. حق به معنای اول (حق بودن) که در مقابل «باطل و غلط» قرار می گیرد، همواره در عرصه های فکری به ویژه افکار سیاسی و اخلاقی حضور داشته است. در چنین معنایی مفهوم حق به معنای راست و صادق بکار

^۲ - کالوری، ادوین، ۱۹۶۴، دانشنامه جهان اسلام، اهل حق (حقیقت)، ج ۱، چاپ دوم، جهان اسلام، ص ۶۰

^۳ - دمخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷). لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران، دوم، ج ۱۱ و ۱۳، ص ۱۳

^۴ - همان منبع پیشین ص ۶۳

گرفته می‌شود و بنابراین هنگامی که گفته می‌شود امری حق است به آن معناست که آن امر راست و صادق (صحیح) است یا غلط و باطل نیست. در واقع حق در چنین معنایی در حوزه مربوط به ارزش (خوب ها و بدها) از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و حق بودن در معنای ارزشی آن به معنای «خوب بودن» است. اما حق به معنای دوم (حق داشتن) که می‌تواند در مقابل «تکلیف» قرار گیرد، محصول فکری جدیدی است که در پی تلاش‌های نظری و عملی آزادی خواهانه و برابری خواهانه انسان در دوران مدرن تولد یافته است. چنین تفکیکی در مفهوم حق، مسأله را در پیوندی عمیق با تفکیک بین مفهوم «ارزش یا خوب» و «حق هنجاری» قرار می‌دهد. بنابراین در معنای اول هنگامی که گفته می‌شود عملی «حق» است یعنی از منظر اخلاقی و بر اساس اصول محتوایی یک نظام اخلاقی خاص، مورد تأیید و قبول می‌باشد. برای نمونه اگر فردی در مقابل این سؤال که آیا به یک فقیر کمک بکند یا نکند، تصمیم بگیرد که کمک کند و مطابق با آن تصمیم عمل نماید، عملی «خوب» و «اخلاقی» و «حق» انجام داده است. اما مفهوم «حق» در ترکیب «حق داشتن» با این معنا متفاوت است. در این معنای دوم «حق داشتن» ضرورتاً به معنای انجام عملی «خوب» و «اخلاقی» نیست. برای نمونه در همین مثال پیش گفته، اگر به کسی بگوییم حق کمک کردن داری به این معنا خواهد بود که تصمیم تو بر «کمک» هر کدام که باشد به صرف «تصمیم تو بودن» از حمایت و تضمین برخوردار خواهد بود و تحت حمایت قضایی و سیاسی قرار می‌گیرد.

بنابراین وقتی شهروندان «حق آزادی بیان» دارند در اجرای آن حق (مادامی که به حقوق دیگران تجاوز نکنند) ممکن است مطالبی را بیان نمایند که از دیدگاه اخلاقی ویژه‌ای، مصداق یک «بیان بد یا خطا» باشد، به همان اندازه که ممکن است مطالبی را بیان نمایند که از دیدگاه اخلاقی خاصی، مصداق یک «بیان خوب یا درست» باشد. اما در هر دو صورت از حمایت‌های قضایی و سیاسی برخوردارند. بر چنین مبنایی فیلسوفان حق از «حق بر خطا بودن» سخن به میان می‌آورند (حق و نه تکلیف خطا کردن)

از حیث تاریخی در دوران کلاسیک تقریباً هیچ اهمیتی به مفهوم حق داده نشده. مفهوم حق که احتمالاً اول بار توسط «ویلیام اوکام» در قرن چهاردهم میلادی به طور روشن تعریف شد تا انتهای سده شانزدهم از وضوح و شفافیت کاملی برخوردار گردید و یکی از اصطلاحات محوری گفتمان اخلاقی و سیاسی شد. طی سده‌های هفدهم و هیجدهم «حق» به شعاری انقلابی تبدیل شد و امروزه قدرت شعاری و سیاسی این مفهوم، عامل مهمی در هر دو صحنه داخلی و بین‌المللی می‌باشد. در هر حال این امر را نمی‌توان انکار نمود که مفهوم حق در سیر تاریخی اش ابتدا به معنای «حقوق انتخابی»، حقوق مربوط به حوزه‌های آزادی شخصی و حاکمیت به کار رفته است و این کاربرد نسبت به «حقوق رفاهی» از تقدم تاریخی برخوردار است.

تعریف حقوق متهم

حقوق متهم در مرحله کشف جرم عبارت است از اقدام‌هایی که پس از اطلاع از وقوع جرم برای حفظ آثار و دلایل موجود، دستگیری متهم و جلوگیری از فرار وی و نیز جمع‌آوری اطلاعات مربوط به بزه ارتكابی انجام می‌شود.^۵

^۵ حاجی تبار فیروز رجائی، حسن، (۱۳۹۱) بزه دیده شناسی حمایتی افتراقی، انتشارات جنگل، چاپ اول، تهران، ص ۵۵۲

ضمانت اجرا

تعریف، معنا و مفهوم ضمانت اجرا

ضمانت اجرا عبارتست از وسیله مستقیم یا غیرمستقیم برای انجام دادن الزامات قانونی (اعم از امر و نهی) و یا جبران زمان زیان دیده یا به عبارت دیگر ابزاری است که اجرای موثر قواعد حقوقی را تضمین مینماید و از طرف قوای عمومی در جامعه بکار گرفته میشود. ضمانت اجرا وجه امتیاز حقوق از سایر قواعد اجتماعی است و اثری است که در نتیجه مخالفت با قانون دامن گیر شخص میشود. در قدیم حق انتقام، خون بها و جبران خسارت حق حبس (در حقوق رم) یا فروش شخص بدهکار بعنوان برده بود.

برای آنکه حقوق قادر به حصول هدف باشد (تنظیم روابط در جامعه) اجباری بودن قواعد آن و همراه بودن با ضمانت اجرا را ضروری مینماید. اطلاعاتی که همراه تکلیف و اجبار نباشد جنبه حقوقی ندارد و تنها مقدمه او امر و نواهی قانونگذار است. البته باید توجه داشت که ضمانت اجرای پاره‌ای از قواعد حقوقی هنوز هم ناقص است (بخصوص در حقوق عمومی و روابط بین‌المللی) تا حدی که پاره‌ای از نویسندگان ناگزیر ضمانت اجرا را از ممیزات قواعد حقوقی حذف نمودند. بطور کلی باید دانست که دو نوع ضمانت اجرا قابل تمیز میباشد:

۱- ضمانت اجرای کیفری یا جزائی یا عقوبتی که در نتیجه آن نوعی مجازات و یا جریمه بر عامل تخلف تحمیل میکند، نقصان و یا توان بردارائی، آبرو و اعتبار یا زندگی و آزادی و تمتعات او متوجه می‌سازد این نوع همان ضمانت اجرای موضوع حقوق جزا می‌باشد.

۲- ضمانت اجرای مدنی یا حقوقی یا ترمیمی و اعاده وضع سابق هدف از این نوع ضمانت اجرا اعاده وضع سابق (قبل از انجام خلاف قانون) میباشد گاهی اعاده وضع با اعمال زور توأم است و گاهی چنین نیست بلکه صرف بطلان یا الغای آثار اجتماعی عملی آن است که نتیجه مطلوب را حاصل مینماید.

اجمالاً اجباری که با قواعد حقوقی همراه است به صورت‌های زیر متجلی می‌گردد:

اول - مجازات شخص متمرّد: اعدام، حبس، تبعید درباره فرد و غرامت، مصادره اموال در رابطه با اموال و دارائی وی.
دوم - اجرای مستقیم بوسیله قوای عمومی، اخراج غاصبی که ملک دیگری را به زور تصرف کرده به حکم دادگاه و یا دادن مال بدهکار ممتنع از ایفای دین به بستانکار یا بازگرداندن کودک که خانه پدری را ترک کرده به اقامتگاه قانونی خود (به حکم دادگاه).

سوم - اعمال حق از طریق بطلان اعمال خلاف در اینگونه موارد دادگاه حکم بطلان صادر مینماید.

چهارم - جبران ضرر حاصل از تجاوز به قواعد حقوقی مسئولیت ایجاد شده وسیله اجبار به اطاعت از قانون است (مواد ۳۱۵ - ۳۲۹ - ۳۶۵ قانون مدنی ملاحظه شود).

لازم به تذکر است که درپاره‌ای موارد تجاوز از قواعد حقوقی با دو یا چند وسیله گوناگون تضمین می‌شود: مجازات سرقت (استرداد مال و ...).

دادرسی و انواع نظام های دادرسی

تعریف دادرسی

کلمه‌ی دادرسی حاصل مصدر است و در لغت به معنای به داد مظلوم رسیدن، قضا و محاکمه است. و نیز رسیدگی به دادخواهی داخواه و عمل دادرس را دادرسی می‌گویند.

در اصطلاح حقوقی، دادرسی به مفهوم اعم رشته‌ای است از علم حقوق که هدف آن تعیین قواعد مربوط به تشکیلات مراجع قضایی و صلاحیت آنها و تعیین قواعد مرتبط با انواع دعاوی و اجرای تصمیمات دادگاهها می‌باشد که در فقه به آن قضاء می‌گویند. مجموعه اقداماتی که به منظور پیدا کردن یک راه حل قضایی به کار می‌رود، دادرسی به مفهوم اخص می‌گویند. دادرسی در برخی موارد به مفهوم دعوا یعنی اختلافی که به دادگاه برده می‌شود، به کار می‌رود. به عبارت دیگر مجموعه اقدامات دادگاه در بررسی دعوا و استماع اظهارات و مدافعات و ملاحظه‌ی لوائح طرفین و رسیدگی به دلایل و مستندات آنان و نیز انجام تحقیقات لازم به منظور مهیا کردن پرونده‌ای برای صدور رأی و قطع و فصل دعوا را دادرسی یا محاکمه گویند.

انواع نظام های دادرسی

نظام دادرسی اتهامی

از لحاظ تاریخی، نظام دادرسی اتهامی اولین و قدیمی‌ترین شیوه دادرسی کیفری به شمار می‌آید. آثار این نظام را هم در «قدیمی‌ترین تمدن‌های خاورمیانه (سومر و بابل) می‌توان یافت». و هم «این روش در یونان و روم باستان، حقوق ژرمنی و در فرانسه در دوران فرانک و عهد فئودال وجود داشته است». دادرسی اتهامی «در زمان‌های گذشته تقریباً در کلیه‌ی کشورهای اروپایی معمول بوده و یک روش دادرسی عمومی محسوب می‌شده است». در دوره‌های بعد این نظام دادرسی «در کشورهای آلمان، ایتالیا و اتحاد جماهیر شوروی سابق که مبتنی بر نظام استبدادی بودند به منصفه ظهور رسید». پایه و اساس نظام دادرسی اتهامی بر قصاص و انتقام شخصی مبتنی بوده است.^۷ «در ادبیات مربوط به تاریخ حقوق کیفری، خودیاری یا دادگستری خصوصی و انتقام به آن دوره از زمان حیات بشری اطلاق می‌شود، که جامعه سازمان یافته و دولت و به تبع آن جرم و مجازات به معنای امروزی وجود نداشت و یا تعداد آن بسیار محدود بود». در دوره دادگستری خصوصی هرچند قانون و مقرراتی جز در برخی جوامع و نمونه‌های معین تاریخی مثل قوانین حمورابی وهیتی‌ها به شکل امروزی وجود نداشت، اما مهمترین مجوز یا مستمسک برای انتقام جویی همانا تجاوز به منافع فردی یا خانوادگی و نهایتاً گروهی یک فرد یا قبیله معین بود. بنابراین عموم جرایم به مفهوم امروزی اقدام علیه منافع فردی یا خانوادگی تلقی می‌گردیدند و واجد جنبه عمومی نبودند.^۸ به همین دلیل هدف از مقابله با مرتکب دفاع از ارزشهای خانوادگی، جبران خسارت یا انتقام گرفتن از مرتکب به منظور ترضیه و تشفی خاطر مجنی علیه یا زیان دیده از جرم یعنی بزه‌دیده بوده است. «نظام اتهامی به طور اصلی پاسخگوی این تفکر است که دعوی تنها مبارزه‌ای است که به شکلی تشریفاتی تنظیم گردیده و نزد شاهدی بی‌طرف و منفعل یعنی قاضی که نقش او

^۶ - صادقی، هادی، (۱۳۸۸)، «حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اشخاص)»، نشر میزان، تهران، چاپ نهم، ص ۹۶

^۷ - سرکشیکیان، سید محمدحسین و جمعی از نویسندگان (۱۳۸۸)، عدم تفاهم سازمانی در طرح امنیت اجتماعی: از مجموعه مقالات کارگروه رویکرد چند نهادی به پیشگیری از جرم، معاونت آموزشی ناجا، ص ۱۴

^۸ - شمس ناتری، محمدابراهیم (۱۳۹۳)، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، جلد اول، چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان، ص ۱۳۲

تنها اعلام حق یا تایید موضع یکی از طرفین می‌باشد جریان می‌یابد». ذیلا به مهم‌ترین ویژگی‌های این نظام و ادله اثبات دعوی حاکم بر آن و همچنین جایگاه تحقیق کیفری در آن می‌پردازیم:

الف. ویژگی‌های نظام اتهامی

ویژگی نخست، لزوم طرح شکایت بزه دیده برای محاکمه و مجازات مرتکب بود. زیرا در این دوران هنوز تحت تاثیر ایده انتقام، که آیین دادرسی کیفری فقط به تنظیم آن می‌پرداخت، جامعه حقی مستقل از بزه دیده برای خود قائل نبود و مجازات جنبه جبران خسارت داشت.^۹ در واقع در این نظام «مقام و مرجعی وجود نداشت که عهده‌دار تعقیب جرایم باشد. قاعده معروف و قدیمی «در صورت فقدان شاکی قاضی حق دخالت ندارد»، به وضوح حکایت از نقش بزه دیده از جرم در تعقیب بزه‌کاران در نظام اتهامی دارد» در این نظام، برای جلوگیری از طرح شکایت‌های ناروا، شاکی را سوگند می‌دادند که از دعوی خود تا پایان محاکمه صرف نظر نکند والا به مجازات اتهامی که به دیگری وارد آورده یا حسب مورد، به مجازاتی دیگر محکوم می‌شد. این ویژگی از معایب مهم این نظام به شمار می‌آید. «زیرا در بسیاری موارد جرایمی اتفاق می‌افتد که ممکن است، شخص شاکی به جهت ترس یا به دلایل دیگری، اقامه دعوی نکند. فلذا بسیاری از جرایم بدین جهت از دید قاضی پنهان می‌ماند و مورد رسیدگی قرار نمی‌گیرند. به همین جهت در سال‌های اخیر در کشورهای تابع نظام اتهامی مثل انگلستان، آمریکا و غیره، یک قاضی را به عنوان قاضی سلطنتی مشخص نموده‌اند، که در مورد جرایم عمومی وظیفه تحقیق را به عهده دارد».^{۱۱}

ویژگی دوم، علنی بودن دادرسی است. به این معنا که محاکمه در محل‌های بزرگ و شناخته شده شهر، صورت می‌گرفت تا هرکس مایل باشد، در جلسه محاکمه شرکت کند. منعی برای حضور مردم وجود نداشت، هرکس می‌توانست جریان رسیدگی را از نزدیک مشاهده نماید. در روم قدیم محاکمات در بازار عمومی شهر صورت می‌گرفت. در حقوق اسلام نیز حقوقدانان مسلمان معتقدند که قاضی باید در موضع نمایان یعنی جایی که بدون در و دیوار باشد مثل مکانی وسیع بنشیند تا این که رسیدن به او آسان باشد. امروزه یکی از اصول مهم دادرسی منصفانه، اصل علنی بودن دادرسی است. به همین جهت یکی از محاسن این نظام همین علنی بودن دادرسی شمرده شده است.^{۱۲}

ویژگی سوم، شفاهی بودن محاکمه است. به این معنا که مطالب هریک از دو طرف به صورت شفاهی ابراز می‌شد و این مطالب و دلایل اتهام یا دفاع به صورت کتبی و در پرونده‌ای برای دادرسی مضبوط نمی‌گردید، بلکه «قاضی می‌تواند براساس شنیده‌های شاکی و دفاع توسط متهم در جلسه دادگاه رسیدگی و مبادرت به صدور حکم نماید».^{۱۳}

ویژگی چهارم، ترافعی بودن دادرسی بود. دادرسی کیفری همچون یک دادرسی حقوقی بود که شاکی و متهم در جایگاه خواهان و خوانده قرار داشتند، شاکی دلایل خود را ابراز می‌داشت و متهم در موقعیتی برابر با او و با اطلاع از دلایل طرف مقابل خود، به رد دلایل اتهامی می‌پرداخت و قاضی با ملاحظه نبرد قضایی طرفین، در پایان حکم خود را صادر می‌کرد. بنابراین «حق

^۹ - امید، جلیل، زمستان ۱۳۸۹، حقوق متهم در دادگاه با تکیه بر اسناد بین المللی و منطقه ای مربوط به حقوق بشر، مجله کانون وکلا، شماره ۱۷۱، ص ۷۷

^{۱۰} - شمس ناتری، محمد ابراهیم، (۱۳۹۳)، اصل برائت و موارد عدول از آن در حقوق کیفری، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، تهران: سمت، ص ۱۴۷

^{۱۱} - صادقی، هادی، (۱۳۸۸)، «حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اشخاص)»، نشر میزان، تهران، چاپ نهم، ص ۶۵

^{۱۲} - شیری، عباس، (۱۳۸۵)، فرآیند عدالت ترمیمی، مطالعات پیشگویی از جرم، چاپ اول، تهران، ص ۱۳۲

^{۱۳} - شیخ‌الاسلامی، عباس و جمعی از نویسندگان، (۱۳۹۰) جایگاه یافته های جرم شناسی در تحولات نظام تقنینی کیفری ایران: از علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد آشوری)، چاپ ۴، تهران: انتشارات سمت، ص ۵۵

دفاع متهم در این نظام به خوبی تضمین گردیده است. به همین جهت این مشخصه نیز از محاسن و امتیازات نظام دادرسی اتهامی است.^{۱۴}

ویژگی پنجم، عدم استفاده از قضاات حرفه‌ای بود. شخصی که به موضوع اتهام رسیدگی می‌کرد، یک قاضی حرفه‌ای نبود و اطلاعات قضایی ویژه‌ای در امور دادرسی کیفری نداشت. در حقیقت متهم به وسیله افراد عادی که هم طبقه خود او بودند، مورد محاکمه و مجازات قرار می‌گرفت.

ب. ادله اثبات دعوی در دادرسی اتهامی

۱. قسامه: شهادت شهود، اقرار و سوگند مهم ترین ادله اثبات دعوی در نظام دادرسی اتهامی به شمار می‌آیند. قضاات رومی پس از انقراض روم غربی در قرن پنجم میلادی مدت‌ها اصل برائت متهم را نمی‌پذیرفتند و بنابراین متهمان ناگزیر بودند بی‌گناهی خود را اثبات کنند. در غیر این صورت پس از غسل و تطهیر باید بر بی‌گناهی خود سوگند یاد می‌کردند.^{۱۵} سوگند مذکور در پاره‌ای موارد کافی به نظر نمی‌رسید و ناگزیر متهم به قسامه متوسل می‌شد. به این ترتیب که تعدادی از افراد با متهم هم قسم شده، حسن شهرت و تقوای او را مورد تایید و تاکید قرار می‌دادند تا متهم برائت حاصل کند. تعداد کسانی که برای قسامه لازم بود برحسب زمان و مکان و نوع اتهام متفاوت بود و گاهی به ۷۲ تن می‌رسیدند. برای مثال در فرانسه در دوره سلطنت کارونژیها در مورد اتهام به سرقت گله و فقدان دلیل کافی برای اثبات این اتهام، لازم بود که متهم بر بی‌گناهی خود سوگند یاد کرده، ۱۲ تن نیز با وی هم قسم شوند تا از جرم مورد اتهام تبرئه شود. موقعیت اجتماعی متهم نیز در تعیین تعداد قسم‌ها موثر بود. چنانکه شاهزاده «فرد گوند» که از سوی همسرش متهم به زنا شده بود، نه فقط بر بی‌گناهی خود قسم خورد، بلکه ۳۰۰ تن دیگر از دولتمردان نیز با او هم قسم شده و او را از اتهام زنا مبرا دانستند، تا مورد عفو پادشاه قرار گیرد.^{۱۶}

۲. اوردالی و دوئل: اوردالی عبارت از دلیل قضایی است، که تحت عنوان داوری ایزدی به ویژه در قرون وسطی متداول بود. در واقع در صورتی که متهم نمی‌توانست ادله‌ای از قبیل شهود یا قسامه اقامه کند، سوگند وی به تنهایی کافی نبوده و ناگزیر باید به آزمون‌های سنتی (اوردالی) تن می‌داد. قضاات بر این باور بودند که ایزدان به کمک متهم بی‌گناه خواهند شتافت و چنین متهمی از آزمون‌های اوردالی روسپید بیرون خواهد آمد. به عنوان مثال در منشور حمورابی در مورد اتهام به جادوگری و زنا، محصنه سرنوشت دعوی را داوری ایزدی مشخص می‌کرده است. طبق ماده ۱۳۲ این منشور «هرگاه زن شوهرداری متهم به هم خوابگی با مردی اجنبی شود و لیکن شوهر او را با دیگری هم بستر ندیده باشد زن باید برای اثبات بی‌گناهی خود یک بار در نهر مقدس غوطه‌ور شود.^{۱۷} در ایران باستان داوری ایزدی از طریق توسل به آیین‌های سی و سه گانه که خود به «ورگرم» و «ورسرد» تقسیم می‌شده مرسوم بوده است. در اورپای قرون وسطی نیز، به ویژه در عصر فرانک‌ها، اوردالی به عنوان یکی از ادله اثبات بزهکاری یا بی‌گناهی برخی متهمین متداول بوده و متهمی که موفق به ارائه دلیل کافی بر بی‌گناهی خود نمی‌شد در مواردی ناگزیر از تن دادن با آزمایش آهن تفته، شیره گیاهان سمی و امثال آن می‌گردید. توسل به این دلیل در سال ۱۲۱۵ به موجب تصمیم متخذه از سوی چهارمین شورای عالی کلیسا ممنوع اعلام شد.^{۱۸} در اورپا پس از تحریم اوردالی از سوی شورای

^{۱۴} - امید، جلیل، زمستان ۱۳۸۹، حقوق متهم در دادگاه با تکیه بر اسناد بین المللی و منطقه ای مربوط به حقوق بشر، مجله کانون وکلا، شماره ۱۷۱، ص ۳۲

^{۱۵} - ذاکری، مهدی، (۱۳۸۱) فراسوی توسعه قضایی، جلد دوم، چاپ نخست، انتشارات دفتر مطالعات و بررسی های اجتماعی قوه قضائیه، ص ۱۰۱

^{۱۶} - دانش، تاج‌زمان، (۱۳۸۷)، «مجرم کیست؟ جرم‌شناسی چیست؟» تهران انتشارات کیهان، چاپ نهم، ج دوم، ص ۸۵

^{۱۷} - خالقی، علی، (۱۳۹۳) نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ نخست، انتشارات شهردانش، ص ۱۲۳

^{۱۸} - حاجی تبار فیروز رجائی، حسن، (۱۳۹۱) بزه دیده شناسی حمایتی افتراقی، انتشارات جنگل، چاپ اول، تهران، ص ۱۶۳

عالی کلیسا در لاترن، دوئل یا پیکار تن به تن، به عنوان دلیل اثبات جرم متداول شد. این شیوه که با عرف و عادت خشونت بار دوران فئودالی اورپا سازگار بود و در قرن ۱۳ میلادی عالی‌ترین دلیل محسوب می‌شد به علت تعارضی که با عقل سلیم داشت، به موجب فرامین ۱۲۵۴ و ۱۲۵۸ سن لویی پادشاه فرانسه غیرقانونی اعلام شد.^{۱۹}

در نظام اتهامی مرحله تحقیقات مقدماتی یا بازپرسی وجود نداشت و هرگونه تحقیق و تفحص در جلسه دادگاه صورت می‌پذیرفت. شاکی باید کلیه ادله موجود علیه متهم را تا جلسه دادرسی ارائه کند و متهم نیز در همان جلسه باید به منظور رد اتهام از خود دفاع می‌نمود. قاضی نیز در جریان رسیدگی اصولاً نقش حکم و داور را ایفا می‌کرد و از تحصیل دلایل و کوشش در راه وصول به حقیقت ممنوع بود. بنابراین در این نظام مرحله تحقیق کیفری معنا و مفهومی نداشت و این به دلیل عدم وجودی نهادی بود که از طرف جامعه عهده‌دار تعقیب و تحقیق در خصوص جرایم باشد.^{۲۰}

نظام دادرسی تفتیشی

خاستگاه این شیوه دادرسی به امپراتوری روم سفلی باز می‌گردد که بعدها در آغاز قرن سیزدهم میلادی این روش به دادگاههای کلیسایی که برای محاکمه روحانیون کلیسا تشکیل می‌شدند نیز راه یافت و پس از آن در بسیاری از کشورهای اورپایی رایج شد. در این دوران «برداشت‌های جدیدی در موضوع جرم و مجازات مطرح گردید؛ جرم کمتر به عنوان لطمه به یک شهروند یا خانواده او شمرده شد تا به عنوان لطمه به نظمی که خواسته‌ی دولت بود. مجازات دیگر تنها لطمه وارده به قربانی نبود بلکه پیش از هرچیز خصوصیتی عمومی یافته و تفکر انتقام عمومی بر انتقام خصوصی غالب گردید. قدرتی عمومی برای شروع تعقیب و انجام تحقیقات لازم دانسته شد.»^{۲۱}

الف. ویژگی‌های نظام تفتیشی

ویژگی نخست، وجود مرجعی برای تقاضای تعقیب و تقاضای محاکمه متهم صرف‌نظر از شکایت یا عدم شکایت بزه دیده است. در این نظام دعوی از طرف نماینده دادسرا که عبارت از دادستان باشد، به نام جامعه برای حفظ نظم اجتماعی مطرح می‌گردد. در واقع «این نظام در دورانی شکل گرفته و رواج یافته است که مفهوم مجازات از جبران خسارت تفکیک شده و جامعه حقی مستقل از زیان دیده برای خود قائل شده است و به اتکا آن، تعقیب مرتکب را برعهده نماینده خویش قرار می‌دهد.» وجود مقام قضایی برای تعقیب متهم از محاسن این نظام شمرده شده و از حقوق جامعه نیز به خوبی دفاع می‌کرد و جامعه برای محاکمه و مجازات مرتکب جرم ناگزیر به تماشای اقدام بزه دیده برای تقاضای تعقیب و محاکمه وی نبود.^{۲۲}

ویژگی دوم، غیرعلنی بودن دادرسی بود. «نحوه دادرسی در این نظام اصولاً سری است. بنابراین اصل بر محرمانه بودن دادرسی است مگر در جایی که خود قاضی تشخیص دهد که دادرسی به صورت علنی برگزار شود.» این ویژگی از معایب این نظام به شمار می‌آید زیرا «عدم حضور مردم در رسیدگی‌های کیفری و تشکیل دادگاه از قاضی و متهم، دست قضاوت رسیدگی کننده را در اتخاذ تصمیم به میل خود باز می‌گذارد.»

۱۹ - امید، جلیل، پاییز ۱۳۸۹، حقوق بشر در دعاوی کیفری بر اساس اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، شماره ۴۹، ص ۸۹

۲۰ - حاتمی، علی اصغر، پاییز ۱۳۷۶ و بهار ۱۳۷۷، خسارات معنوی و شیوه‌های جبران آن در حقوق ایران، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره ۲۵ و ۲۶، ص ۲۰

۲۱ - جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۹۱) ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، چاپ دوم، ص ۸۷

۲۲ - آشوری، محمد. (۱۳۹۳). آیین دادرسی کیفری، تهران: انتشارات سمت، ج ۲۱، ص ۱۶۵

ویژگی سوم، کتبی بودن دادرسی بود. یعنی از همان شروع به تحقیق و تعقیب، هر اقدام قضایی که در پرونده صورت می‌گیرد، باید به صورت مکتوب باشد. همچنین طرفین می‌توانستند، مطالب خود را به صورت مکتوب اظهار نمایند و پرونده‌ای برای نگهداری مکاتبات آنها و ضبط جریان رسیدگی تشکیل می‌شد.^{۲۳}

ویژگی چهارم، غیر ترافیعی بودن رسیدگی بود. یعنی دادرسی به نبرد قضایی میان متهم و قاضی به عنوان نماینده جامعه تبدیل می‌شد. متهم از حقوق اندکی برای دفاع از خود برخوردار بود و نمی‌توانست از دلایل اتهام آگاه شده و آنها را مورد مناقشه قرار دهد و یا آزادانه دلایل خود را ارائه نماید. در مقابل، قاضی از اختیارات زیادی برخوردار بود تا از متهم اقرار بگیرد و هر پرسشی را مطرح نماید. در مجموع «در این نظام اصل بر گناهکاری متهم بود مگر این که او قادر باشد خلاف آن را ثابت کند».^{۲۴}

ب. ادله اثبات دعوی در نظام تفتیشی

نظام دادرسی تفتیشی مبتنی بر ادله قانونی است. روش ارزیابی ادله قانونی توسط قاضی وجود نداشت. قاضی باید بر مبنای ادله قانونی قضاوت کند و حق استناد به دلایلی که قانونگذار آنها را در شمار ادله احصا نکرده، ندارد. ادله اثبات دعوی در این نظام عبارتند بود از :

۱. اقرار متهم: در نظام تفتیشی اقرار متهم، مهمترین دلیل اثبات جرم محسوب می‌شد. اقرار، قاضی را از رسیدگی به سایر دلایل بی‌نیاز می‌کرد و او می‌توانست بدون دغدغه خاطر حکم محکومیت متهم را صادر نماید. ژوس - حقوقدان فرانسوی قبل از انقلاب ۱۷۸۹ - می‌نویسد: «آنگاه که شخصی به ارتکاب جنایتی متهم می‌گردد، هیچ‌کس بهتر از خود او نسبت به بی‌گناهی یا بزهکاریش آگاهی کامل ندارد. در نتیجه بین همه ادله‌ای که توان کشف حقیقت را دارند، دلیلی که از همه مهمتر و از هرگونه اشتباه نیز مصون است اقرار متهم است». تأثیری که اقرار در پایان بخشیدن به رسیدگی‌های کیفری داشت سبب شد که قضاوت رفته رفته برای اخذ اقرار به وسایلی متوسل گردیدند و بدین ترتیب متهمانی که از پاسخ دادن به پرسش‌های قضاوت امتناع می‌کردند با سیاست‌های کیفری مشدده روبرو می‌شدند.^{۲۵}

۲. شهادت: در این نظام از گواهی که از مهمترین ادله اثبات جرم محسوب می‌شد استفاده سرشاری به عمل می‌آمد. شهادت دو مرد بدون توجه به تقوی و پاکدامنی آنان حتی برای صدور حکم اعدام کفایت می‌کرد. «حتی اگر این شهادت کاذب باشد قاضی باید به استناد آن رای صادر نماید و مسئولیتی از این جهت برعهده وی نبود. شهادت زنان قبل از قرن (۱۶) میلادی در اکثر کشورهای اورپایی پذیرفته نبود و دادگاه می‌توانست شهادت آنان را اماره‌ای بر اثبات ارتکاب جرم تلقی کند. با وجود این در دو جرم ارتداد و سوء قصد به جان پادشاه شهادت زنان و افراد نابالغ می‌توانست دلیل تلقی گردد».^{۲۶}

برخلاف نظام دادرسی اتهامی که جایگاهی برای تحقیق کیفری وجود نداشت در نظام دادرسی تفتیشی تحقیقات مقدماتی به سرعت گسترش یافت. اما این تحقیقات بیشتر جنبه تشریفاتی داشته و حق دفاع متهم را به حداقل تقلیل می‌داد. زیرا دلایل در غیاب متهم جمع‌آوری می‌شد در حالی که وی گاهی از این اقدام بی‌اطلاع بود. سزار بکاریا در تقبیح اتهام‌های محرمانه بیان

^{۲۳} - امیدی، جلیل، ۱۳۸۷، قواعد تفسیر قوانین جزایی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، پاییز شماره ۴۱، ص ۱۰۸

^{۲۴} - حاتمی، علی اصغر، پاییز ۱۳۷۶ و بهار ۱۳۷۷، خسارات معنوی و شیوه‌های جبران آن در حقوق ایران، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره ۲۵ و ۲۶، ص ۱۴۴

^{۲۵} - جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۹۱) ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، چاپ دوم، ص ۱۱۱

^{۲۶} - آشوری، محمد. (۱۳۹۳). آیین دادرسی کیفری، تهران: انتشارات سمت، ج ۲۱، ص ۳۶

می‌دارد: «چنین رسمی آدمیان را دو رو و ریاکار بار می‌آورد ... کیست که بتواند در برابر تهمت، وقتی به نیرومندترین سپر بیدادگری یعنی پنهانکاری مجهز هستند از خود دفاع کند»^{۲۷}

نظام دادرسی مختلط

سومین نظام دادرسی که درصدد تجميع محاسن نظام اتهامی و تفتیشی و طرد معایب آنها بود نظام دادرسی مختلط بود که امروزه در بسیاری از کشورهای جهان معمول و رایج می‌باشد. ذیلاً به سابقه پیدایش این نظام و سپس به ویژگی‌های آن و جایگاه تحقیق کیفری در آن می‌پردازیم:

الف. سابقه پیدایش

از نظر تاریخی پیدایش نظام دادرسی مختلط مربوط به پس از انقلاب فرانسه می‌باشد. به همین جهت به آن سیستم دادرسی فرانسوی نیز می‌گویند. همان گونه که قبلاً بیان شد دادرسی اتهامی منافع جامعه را نادیده می‌گرفت و دادرسی تفتیشی حقوق و آزادی‌های متهم را تامین نمی‌کرد. در نتیجه حقوقدانان از روش‌های موجود دادرسی کیفری به شدت انتقاد می‌نمودند.^{۲۸} نشر افکار و عقاید انتقادی حقوقدانان جزا به نوبه خود به تنویر افکار عمومی کمک کرد و در اذهان جامعه جای تردید باقی نگذاشت که روش‌های موجود دادرسی کیفری پاسخگوی نیازهای اجتماع نیست و اجرای صحیح عدالت کیفری را تامین نمی‌کند و لازم است هرچه زودتر برای تامین عدالت کیفری چاره اندیشی کرد. اغلب علمای حقوق جزای این دوران، اصلاح و تنقیح قوانین آیین دادرسی کیفری را موثرترین وسیله برای مبارزه با مجرمیت، اجرای صحیح مجازات، تامین آزادی‌های فردی و حفظ و صیانت مصالح اجتماعی معرفی می‌نمودند. جریان این موج عظیم فکری سبب شد که در بسیاری از کشورهای اورپایی اصلاح و تجدیدنظر در قوانین آیین دادرسی کیفری آغاز گردد و نظریه‌های علمی جدید وارد قلمرو قوانین دادرسی کیفری شود. برای احتراز از معایب نظام‌های دادرسی اتهامی و تفتیشی و در عین حال استفاده معقول از محاسن هر دو سیستم، به تدریج روشی بوجود آمد که از هر دو سیستم متأثر می‌باشد. بدین توضیح که جنبه‌های مثبت هر دو سیستم را دارا و از معایب آن عاری است. چون دانشمندان فرانسوی در ایجاد و نضج این سیستم مختلط نقش مهمی ایفا کرده‌اند و برای نخستین بار در این کشور به موقع اجرا گذاشته شده است این روش را سیستم دادرسی فرانسوی نیز می‌نامند.^{۲۹}

ب. ویژگی‌های نظام دادرسی مختلط

در این نظام با تفکیک مرحله تحقیق و محاکمه، از ویژگی‌های مثبت هر یک از دو نظام پیشین، به تفکیک استفاده شده است. بدین ترتیب، در مرحله تحقیق که نیاز به سرعت و دقت در جمع‌آوری دلایل و جلوگیری از محو آثار جرم بیشتر وجود دارد از نظام تفتیشی پیروی شده و ویژگی‌های آن را دارد. در مقابل، پس از جمع‌آوری دلایل و در مرحله محاکمه در دادگاه از نظام اتهامی و ویژگی‌های خاص آن پیروی شده است. از این رو در مرحله نخست، مرجعی مستقل از بزه دیده به نمایندگی از جامعه

^{۲۷} - امید، جلیل، ۱۳۸۷، قواعد تفسیر قوانین جزایی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، پاییز شماره ۴۱، ص ۵۶

^{۲۸} - بابایی، محمدعلی، افراسیابی، علی، بهار ۱۳۸۹، حق برخورداری متهم از وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۱۳، ص ۸۱

^{۲۹} - آشوری، محمد. (۱۳۹۲). عدالت کیفری: مجموعه مقالات. نشر دادگستر، ص ۸۸

^{۳۰} - امید، جلیل، (۱۳۹۳)، حقوق دفاعی متهم، در علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، انتشارات سمت، چاپ نخست، ص ۵۴

امر تعقیب را برعهده دارد و اصولاً در این امر منتظر اقدام زیان‌دیده از جرم نمی‌ماند. اما در مرحله محاکمه، رسیدگی ترافیکی و علنی است و شهروندان می‌توانند در جلسه محاکمه شرکت کرده، جریان دادرسی را از نزدیک مشاهده نمایند.^{۳۱}

نظام دادرسی اسلامی

در کتب فقهی، اصول دادرسی اسلامی یکجا و تحت عنوان خاصی نیامده است بلکه در خلال مقررات باب قضا و حدود و دیات و قصاص و تعزیرات می‌توان برخی قواعد آن را ملاحظه کرد. برخی از حقوقدانان معتقدند که تفاوتی میان دادرسی اسلامی و سیستم‌های دادرسی اتهامی، تفتیشی و مختلط وجود ندارد هرچند که در اعمال برخی از قواعد بین سیستم دادرسی اسلامی و سایر نظام‌های دادرسی تفاوت‌هایی وجود دارد. اما برخی دیگر معتقدند که هرچند که نظام دادرسی اسلامی دارای ویژگی‌های نظام اتهامی است اما این مطلب را نباید بر اقتباس یا سرمشق گرفتن حقوق اسلامی از قوانین و مقررات سایر ملل تلقی کرد، بلکه حقوقی است مستقل و قائم به ذات. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، نظام دادرسی کیفری در کشورمان به تبعیت از حقوق فرانسه برپایه نظام دادرسی مختلط شکل گرفته بود. پس از واقعه فوق، با توجه به لزوم انطباق کلیه قوانین و مقررات کشور با موازین شرع و توجه ویژه به قوه قضائیه برای انطباق آن با نظام قضاء اسلامی، قوانین متعددی در زمینه سازمان قضایی مراجع بدوی و تجدیدنظر به تصویب رسید.^{۳۲} یکی از دلایل کثرت قانونگذاری‌های گاه‌شتابزده در این دوران نیز، قصد قانونگذار برای سرعت بخشیدن به روند اسلامی نمودن دستگاه قضایی و انطباق آن با شیوه‌های دادرسی اسلامی بوده است. به هر حال نظام دادرسی اسلامی مستقلاً و بالذات دارای ویژگی‌های خاص و ادله اثبات دعوی مربوط به خود می‌باشد که ذیلاً مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

الف. ویژگی‌های دادرسی اسلامی

ویژگی نخست، عدم تفکیک مرحله تحقیق از مرحله محاکمه است. در این نظام قاضی خود عهده‌دار تحقیق، جمع‌آوری دلایل و محاکمه و صدور حکم نسبت به اتهام متهم است. به بیان دیگر «در این نظام حقوقی، مرحله تحقیق مقدماتی از مرحله رسیدگی قطعی تفکیک نشده است. قاضی رسیدگی‌کننده صلاحیت دارد که به تمام مراحل آن رسیدگی کند، حکم بدهد و آن را به موقع اجرا بگذارد».^{۳۳}

ویژگی دوم، وحدت قاضی است. «در دادرسی اسلامی، در قضاوت و صدور رای، اصل تعدد قاضی پذیرفته نشده است و اگر قاضی صالح به رسیدگی باشد جلسات دادرسی با حضور وی رسمیت پیدا می‌کند. اجرای این اصل (وحدت قاضی) نیز مقید به وجود شرایط در قاضی از قبیل شرایط اجتهاد و شرط عدالت به مفهوم فقهی و شرعی آن می‌باشد».^{۳۴}

ویژگی سوم، یک درجه‌ای بودن رسیدگی است. یعنی اصل بر این است که به هر جرمی فقط یک بار رسیدگی می‌شود و حکمی که در پایان توسط قاضی صادر می‌گردد قطعی و غیرقابل تجدیدنظر خواهد بود. با این همه، به منظور رفع اشتباهات قضایی و

^{۳۱} - انصاری، ولی‌الله، (۱۳۹۱) حقوق تحقیقات جنایی، تهران، انتشارات سمت، چ ۶، ص ۱۰۸

^{۳۲} - صادقی، هادی، (۱۳۸۸)، «حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اشخاص)»، نشر میزان، تهران، چاپ نهم، ص ۲۵

^{۳۳} - شمس ناتری، محمدابراهیم (۱۳۹۳)، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، جلد اول، چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان، ص ۸۱

^{۳۴} - سرکشیکیان، سید محمدحسین و جمعی از نویسندگان (۱۳۸۸)، عدم تفاهم سازمانی در طرح امنیت اجتماعی: از مجموعه مقالات کارگروه رویکرد چند نهادی به پیشگیری از جرم، معاونت آموزشی ناجا، ص ۴۴

جلوگیری از اجرای احکام خلاف شرع، در موارد محدود و مشخصی، امکان بازنگری در حکم قاضی وجود داشته که جنبه استثنایی دارد.^{۳۵}

ب. ادله اثبات دعوی در دادرسی اسلامی

در سیستم دادرسی جزایی اسلامی متهم از حکومت اصل برائت بهره‌مند است. برای اثبات وقوع هریک از جرایم منصوص، وجود دلایل معین و مشخص ضروری است. چنانکه سرقت موجب حد به سه دلیل ثابت می‌شود: شهادت دو مرد عادل، دو مرتبه از اقرار سارق نزد قاضی و علم قاضی؛ و شرب خمر و قذف به دو دلیل ثابت می‌شود: به شهادت دو مرد عادل و دوبار اقرار مرتکب. ادله اصلی برای اثبات جرم عبارتند از: شهادت، اقرار، قسامه و علم قاضی. اقامه شهود تابع شرایط خاصی است. اقرار باید در حد کمال آزادی از طرف مقرر به عمل آید و به دفعات تکرار شود تا بیم اشتباه و نسیان در آن نباشد تا قاضی بتواند به صحت آن مومن گردد. اقرار هرگاه با تهدید یا تطمیع یا شکنجه حاصل شود ارزش و اعتبار نخواهد داشت؛ زیرا چنین اقراری نمی‌تواند کاشف حقیقت باشد. با توجه به ظاهر مقررات اسلامی مربوط به دلایل اثبات دعوی کیفری این فکر را به وجود می‌آورد که در این نظام، به گونه‌ای روش دلایل قانونی حاکمیت دارد؛ روشی که مورد ایراد و اعتراض قرار گرفته و قرن‌هاست مطرود و متروک شده است.^{۳۶} ولی اگر به دیده تحقیق بنگریم و منصفانه قضاوت کنیم ملاحظه خواهد شد، که در این نظام حقوقی دلیل باید کاشف از حقیقت باشد و به قاضی اطمینان بخشد که جرم واقع شده و متهم مرتکب آن است. به عبارت دیگر قاضی باید به هدایت دلیل یقین حاصل کند، که متهم گناهکار می‌باشد. این روش نه فقط گونه‌ای از اعمال سیستم دلایل قانونی به شمار نمی‌آید بلکه درست همان سیستم دلایل معنوی است. همان کمال مطلوبی که علمای حقوق جزا تازه به اهمیت آن واقف شده‌اند و اصرار می‌ورزند به این که دلیل باید مبین حقیقت و موجد ایمان قاضی به وقوع جرم باشد.^{۳۷}

در نظام دادرسی اسلامی مرحله‌ای به نام مرحله تحقیقات مقدماتی وجود ندارد. قاضی رسیدگی کننده صلاحیت دارد، که به تمام مراحل دادرسی رسیدگی کند، حکم بدهد و آن را به موقع اجرا نیز بگذارد. «اصولا نصوص صریحی در قواعد شکلی از قبیل جلب، تعقیب و تحقیق از متهم در منابع فقهی وجود ندارد. غیر از موارد مربوط به ادله اثبات جرم که توسط علما و مجتهدین مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، در سایر موارد مربوط به قواعد و مقررات دادرسی منبع فقهی وجود ندارد. قواعد مربوط به تحقیقات، احضار متهم، کیفیت ابلاغ و بازرسی منزل و قواعد دیگر شکلی با توجه مصالح عامه و نظام اجتماعی کشور وضع شده است که قاضی رسیدگی کننده و طرفین دعوی ملزم به رعایت آنها می‌باشند».^{۳۸}

نظام دادرسی حاکم بر حقوق ایران

پس از بحث و بررسی نظام‌های مختلف دادرسی اینک برآنیم که نظام دادرسی حاکم بر حقوق ایران را مورد بررسی قرار دهیم. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، نظام دادرسی کیفری در ایران به تبعیت از حقوق فرانسه برپایه نظام دادرسی مختلط شکل گرفته بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، سعی بر این شد که کلیه امور قضایی، فرهنگی، سیاسی و غیراین‌ها بر مدار

^{۳۵} - امید، جلیل، زمستان ۱۳۸۹، حقوق متهم در دادگاه با تکیه بر اسناد بین المللی و منطقه ای مربوط به حقوق بشر، مجله کانون وکلا، شماره ۱۷۱، ص ۱۲۱

^{۳۶} - شیرازی، اکبر، (۱۳۹۲) «عدالت قضایی؛ درسی از تجربه و تاریخ»، تهران، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، ص ۷۸

^{۳۷} - شیرازی، عباس، (۱۳۸۵). فرآیند عدالت ترمیمی، مطالعات پیشگامی از جرم، چاپ اول، تهران، ص ۹۵

^{۳۸} - شیرازی، اکبر، (۱۳۹۲) «عدالت قضایی؛ درسی از تجربه و تاریخ»، تهران، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، ص ۳۸

فقه اسلامی قرار گیرد.^{۳۹} به ویژه کوشش به عمل آمد تا قضاء و دادرسی به صورت کاملاً اسلامی درآید و از اعمال و اجرای قوانین خلاف شریعت مقدس اسلام پرهیز شود. طبق مقررات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حاکمیت و تشریح از آن پروردگار است و وحی الهی در بیان قوانین نقش بنیادی دارد (اصل دوم قانون اساسی). کلیه قوانین و مقررات مدنی و جزایی باید براساس موازین اسلامی باشد (اصل چهارم قانون اساسی). صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به وسیله قانون معین می‌گردد (اصل ۱۶۳ قانون اساسی). کشف جرم، تعقیب، مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون اسلامی و اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین از وظایف قوه قضائیه می‌باشد (اصل ۱۵۸ قانون اساسی). بنابراین با توجه به اصول متعدد قانون اساسی و لزوم انطباق کلیه قوانین و مقررات کشور با موازین شرع و انطباق قوه قضائیه با نظام قضاء اسلامی، قانونگذار ایرانی دچار آشفتگی و سرعت در قانونگذاری شد و قوانین متعددی در زمینه سازمان قضایی مراجع بدوی و تجدیدنظر به تصویب رساند. ^{۴۰} در همین راستا در سال ۱۳۷۳ با تصویب قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب به بهانه هرچه اسلامی‌تر کردن دادرسی و مراجعه مستقیم به قاضی، نهاد نود ساله دادسرا از سیستم قضایی حذف شد و کلیه مراحل پنج‌گانه دادرسی کیفری در اختیار شخص واحدی به نام قاضی دادگاه قرار گرفت. ^{۴۱} در سال ۱۳۷۸ نیز قانون آیین دادرسی کیفری متناسب با این سیستم به تصویب رسید. اما به زودی معایب بی‌شمار نظام قضایی بدون دادسرا و مراجعه مستقیم به قاضی، که باعث تراکم بیش از حد پرونده‌ها در دادگستری گردید، سبب شد تا در سال ۱۳۸۱ با اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، دادسرا مجدداً احیا گردید و به دلیل اهمیت این قانون گاه از آن به عنوان قانون «احیای دادسرا» نیز نام برده می‌شود. بنابراین با تصویب این قانون مجدداً نظام مختلط (دادسرا- دادگاه) مورد اقبال مقنن قرار گرفت. ^{۴۲} اگرچند برخی از حقوقدانان معتقدند که قانونگذار با تصویب مواردی همچون اختیار دادستان در انتخاب قاضی تحقیق و حق تحقیق و رسیدگی مقدماتی در تعداد زیادی از جرایم، محرومیت وکیل از مداخله در جریان تحقیقات مقدماتی و حتی محرومیت از حضور در برخی جلسات تحقیق (آنجا که قاضی تشخیص می‌دهد)، عدم پیش‌بینی حق سکوت برای متهم، ضابطه‌مند نبودن بازجویی از متهم، مبهم بودن وضعیت شخص تحت نظر در مدت بازداشت، غیر ترافیعی بودن تحقیقات، عدم شناسایی حق مطالعه پرونده توسط وکیل متهم و ... نظام دادرسی کیفری ایران را از نظام مختلط به سمت نظام دادرسی تفتیشی سوق داده است. ^{۴۳} اما این نظر نمی‌تواند صحیح باشد چرا که نظام دادرسی ایران با پذیرفتن تفکیک مرحله تحقیق از مرحله دادرسی گرایش به سمت نظام دادرسی مختلط پیدا کرده است. اما در مرحله تحقیق از تحولات جهانی در زمینه حقوق بشر و حقوق متهم که بیشتر در این مرحله شاهد تحولات بسیار زیادی در حقوق کشورهای مختلف شده است، عقب مانده و متناسب با آن به اصلاح مقررات آیین دادرسی کیفری اقدام ننموده است. به بیان دیگر «بیشترین و مهمترین تغییرات نظام مختلط، در ویژگی تفتیشی بودن مرحله تحقیقات مقدماتی صورت گرفته است و این امر به ویژه در پرتو تصویب اسناد بین‌المللی مربوط به حقوق

^{۳۹} - شمس ناتری، محمد ابراهیم، (۱۳۹۳)، اصل برائت و موارد عدول از آن در حقوق کیفری، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، تهران: سمت، ص ۱۱۳

^{۴۰} - شیخ‌الاسلامی، عباس و جمعی از نویسندگان، (۱۳۹۰) جایگاه یافته های جرم شناسی در تحولات نظام تقنینی کیفری ایران: از: علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد آشوری)، چاپ ۴، تهران: انتشارات سمت، ص ۳۹

^{۴۱} - امیدی، جلیل، زمستان ۱۳۸۹، حقوق متهم در دادگاه با تکیه بر اسناد بین المللی و منطقه ای مربوط به حقوق بشر، مجله کانون وکلا، شماره ۱۷۱، ص ۱۰۳

^{۴۲} - ذاکری، مهدی، (۱۳۸۱) فراسوی توسعه قضایی، جلد دوم، چاپ نخست، انتشارات دفتر مطالعات و بررسی های اجتماعی قوه قضائیه، ص ۱۴۸

^{۴۳} - بابایی، محمدعلی، افراسیابی، علی، بهار ۱۳۸۹، حق برخورداری متهم از وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی، مجله آموزه های حقوق کیفری، شماره ۱۳، ص ۲۵

بشر پس از پایان جنگ جهانی دوم عملی شده است، اسنادی که در جهت تضمین حقوق دفاعی متهم در جریان تعقیب و محاکمه تنظیم شده‌اند.^{۴۴}

مبانی نظری و مروری بر نظریه‌ها و مکاتب

حق داشتن وکیل برای متهم در جریان برگزاری دادرسی عادلانه

۱-۲-۱- تفهیم مکتوب و مستند در حق داشتن وکیل:

یکی دیگر از نوآوریهای قانون جدید در باب تفهیم حق داشتن وکیل به متهم می‌باشد که قانون سابق فاقد ترتیب مزبور بوده است. ماده ۵۲ قانون جدید مقرر داشته است که: هرگاه متهم تحت نظر قرار گرفت ضابطان دادگستری مکلفند حقوق مندرج در این قانون در مورد شخص تحت نظر را به متهم تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند. متن این ماده مزبور بر اصل الزامی بودن شرکت وکیل متهم در کلیه مراحل دادرسی به عنوان یکی از تضمینات دفاعی متهم تأکید دارد، چنانچه به این مهم در قانون حاکم توجه نشده بود.^{۴۵}

حق متهم بر داشتن وکیل تسخیری:

یکی دیگر درخشان‌ترین دستاوردها و نوآوریهای قانون جدید در باب حق متهم بر داشتن وکیل تخصیص ماده ۱۹۰ قانون جدید است. این ماده موانع و نقایص موجود در ماده ۱۲۸ قانون سابق را رفع نموده است. ماده ۱۹۰ قانون جدید بر خلاف ماده ۱۲۸ قانون سابق می‌گوید در دادسرا متهم می‌تواند یک وکیل دادگستری با شرایط مندرج در این ماده همراه خود داشته باشد. این در حالی بود که در قانون سابق بر خلاف اصل قاعده تساوی سلاح‌ها عمل کرده بود و وکیل متهم را می‌پذیرفت ولی پرونده متهم را در اختیار وکیل قرار نمی‌داد. با این محدودیت‌کیلی که در جریان پرونده موکل خویش نبود چگونه می‌توانست از وی دفاع کند. لذا ماده ۱۹۰ این محدودیت را رفع و ظاهراً به وکیل این اجازه را داده است که جز در موارد خاص بتواند در تحقیقات مقدماتی پرونده متهم را مطالعه نماید. چرا که در تحقیقات مقدماتی است که چهارچوب یک پرونده شکل می‌گیرد و دلایل جمع‌آوری و پرونده تکمیل می‌شود و در دادگاه قاضی بر این اساس راجب آن پرونده حکم صادر می‌کند. با توجه به اینکه بخش عمده پرونده‌های کیفری مربوط به این مرحله است اما نگاه قانونگذار این است که حضور وکیل در مرحله تحقیق با اجازه دادگاه خواهد بود و این موضوع در قانون حاکم معضلی بود که در قانون جدید رفع شده است.^{۴۶}

بررسی ابهامات قانونی و خلاءهای اجرایی حق داشتن وکیل برای متهم در قانون جدید

قوانین در طی گذشت زمان برای رفاه حال مردم جامعه و حفظ حقوق شهروندان دست‌خوش تغییر و تحول می‌شود. با وجود مثبت بودن نگاه قانونگذار و ارزشمند بودن تغییرات اساسی در رویکرد قانونی نسبت به حق متهم در داشتن وکیل چه تعیینی و چه تسخیری خالی از ابهامات و خلاءهای قانونی و اجرایی نیست.^{۴۷}

^{۴۴} - آخوندی، محمود (۱۳۹۴)، آیین دادرسی کیفری (اندیشه‌ها)، جلد ۴، چاپ ۱، تهران: انتشارات مجد، ص ۷۵

^{۴۵} نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۹۲). زندان؛ درمانگاه بزهکار و بزهکاران؟ (دیباچه)، در برنار بولک، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند

آبادی، چاپ سوم: تهران، انتشارات مجد، آبان، ص ۵۶۳

^{۴۶} غلامی، حسین، (۱۳۹۳). عدالت ترمیمی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم، تهران، ص ۶۵۸

^{۴۷} - کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۷) مبانی حقوق عمومی، چاپ سوم، بنیاد حقوقی میزان، ص ۶۹۵

۱-۳-۱-۲- ابهامات قانونی:

در تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی جدید محدودیت هایی لحاظ شده است که اگر شخصی به علت ارتکاب یکی از جرائم سازمان یافته و یا جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، سرقت مواد مخدر و روان گردان و یا جرائم موضوع بند های الف، ب، پ ماده ۳۰۲ تحت نظر قرار گرفت تا یک هفته پس از شروع تحت نظر قرار گرفتن امکان ملاقات با وکیل را نخواهد داشت. در این تبصره محدودیت متهم در حق برخورداری از وکیل دامنه شمول بسیاری از جرائم را در بر می گیرد.^{۴۸} از سویی این جرائم از جرائم مهم هستند و نقش وکیل دادگستری نسبت به جرائم دیگر بیشتر احساس می شود همچنین در این تبصره مدت محدودیت نیز قید شده که متهم به مدت یک هفته حق ملاقات با وکیل را ندارد که به نظر می رسد مدت این محدودیت طولانی است. در ماده ۱۹۰ آیین دادرسی جدید آمده است که متهم می تواند یک وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد حال با ابهام موجود در این ماده که بسیاری از محدودیت های ماده ۱۲۸ قانون سابق را رفع نموده چه کنیم؟ با کمی دقت در این ماده پی خواهیم برد که بیان حق همراهی متهم توسط وکیل یا وکلای اوست یا اینکه به عدد یک توجه داشته است. اگر تصور کنیم قانونگذار در مقام بیان حق همراهی متهم مبنی بر داشتن وکیل یا وکلای وی باشد با ظاهر ماده که به عدد یک اشاره کرده در تعارض خواهد بود و اگر تصور کنیم که منظور قانونگذار آن است که متهم فقط حق داشتن یک وکیل را دارد با تعارض این ماده با مواد ۳۴۲، ۳۴۶ و ۳۸۵ قانون جدید که تاکید بر همراهی دو نفر وکیل با متهم به غیر از جرائم در صلاحیت دادگاه کیفری یک دارد چه کنیم؟ حال اگر جمع بین این مواد را قائل باشیم و تصور کنیم که متهم حق داشتن بیش از یک وکیل را دارد با تعارض موجود در این ماده مبنی بر حق داشتن تنها یک وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی چه توجیهی خواهیم داشت؟

در تبصره یک این ماده قانونگذار در مقام بیان تکلیف تفهیم حق داشتن وکیل از سوی قاضی برای متهم است ولی در بیان ضمانت اجرایی در صورت تخلف مقام قضا کوتاهی کرده است. که شاید بتوان گفت از نگاه محمود آخوندی پدر علم آیین دادرسی کیفری قانون جدید در برابر بعضی اصلاحات پسندیده و ضروری نادرستی های آشکار و تعارضات غیر قابل دفاع و نابخشودنی فراوانی نیز دارد که کاستی ها و ابهامات قانونی فوق از این جمله اند.^{۴۹}

خلاء های اجرایی:

به موجب ماده ۴۸ قانون جدید با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می تواند تقاضای حضور وکیل نماید. حق داشتن وکیل در مرحله مقدماتی برای متهم از سوی قانونگذار هرچند دستاوردی قابل ستایش و به نفع متهم است ولی در اجرای این ماده سوالی مطرح می شود که قانونگذار نه تنها از بعد ابهامات قانونی بلکه از بعد اجرایی نیز باید در این ماده بازنگری نموده و نواقص موجود را رفع نماید. از سویی در اجرای ماده ۱۹۰ با آنکه محدودیت های قانون سابق را رفع نموده اما در باب اجرایی با سوالی همراه است که اصلاح و بازنگری بطن ماده ۱۹۰ قانون جدید را از سوی قانونگذار الزامی می کند. از جمله سوالی که در اجرای این ماده مطرح می شود این است که اولاً: صرف مطلع نمودن متهم از حق داشتن وکیل توسط ضابط قضایی آیا او می تواند شروع به تحقیقات کند یا نه باید منتظر حضور وکیل متهم بماند؟ دوماً: اگر متهم ادعا کند که توان پرداخت حق الزحمه وکیل را ندارد، آیا نیاز به تحقیق در خصوص عدم توانایی مالی متهم است و در صورت عدم توانایی متهم می تواند

^{۴۸} - لازرژ، کریستین (۱۳۹۲). درآمدی بر سیاست جنایی، چاپ چهارم، انتشارات میزان، ص ۳۸۴

^{۴۹} - گلدوزیان، ایرج، (۱۳۸۵). بایسته های حقوقی جزائی عمومی، نشر میزان، چاپ سیزدهم، انتشارات میزان، ص ۱۸۳

^{۵۰} - داوید، رنه و کامی ژوفره، (۱۳۸۳) نظام های حقوقی معاصر، ترجمه حسین صفایی، چاپ اول، بنیاد حقوقی میزان، ص ۵۵۱

درخواست وکیل معاضدتی کند یا خیر؟ سوما: طریقه اثبات تفهیم حق داشتن وکیل برای متهم مهمترین سوال این ماده است زیرا اگر به متهم تفهیم نشود و برگه از پیش نوشته شده در اختیار او قرار دهند و متهم آن را بدون مطالعه امضاء کند یا بیسواد بوده و نتواند مطالب مندرج در پیش نویس را بخواند چگونه باید ثابت شود که تفهیم حق داشتن وکیل برای متهم از جانب مقام قضا انجام شده است؟^{۵۱}

حق برخورداری متهم از وکیل در تحقیقات مقدماتی

در نظام دادرسی عادلانه، همان‌طور که شاکی باید از حقوق کامل برای پیگیری شکایت و احقاق حق خود برخوردار باشد، متشاکی یا متهم هم باید بتواند در برابر شکایت شاکی، به طور کامل از حق خود دفاع کند. در شکایت‌های عمومی هم که مدعی‌العموم یا دادستان، طرف شکایت متهم است، باز هم عدالت ایجاب می‌کند که متهم با برخورداری از حقوق لازم برای دفاع از خود، بتواند پاسخگوی اتهامات وارده باشد، اما آیا متهمی که در مظان اتهام قرار گرفته و گاهی به واسطه این اتهام بازداشت یا توقیف شده است، به تنهایی قادر به دفاع از حقوق خود هست؟ بدون شک یکی از ابزارهای مهم تضمین حقوق متهم در مراحل مختلف دادرسی، به خصوص مراحل مقدماتی دادرسی، حق برخورداری از وکیل است، اما این حق در نظام دادرسی کشور ما پیچیدگی‌ها و شرایط خاصی دارد که در هر مرحله از رسیدگی مقدماتی به دعوا، به صورت جداگانه قابل بررسی است.^{۵۲}

مرحله تحقیقات پلیسی

با طرح شکایت نزد ضابط قضایی، رسیدگی به شکایت آغاز می‌شود. در دعاوی کیفری شکایت ممکن است کتبی و به موجب شکواییه یا شفاهی و درج در صورت‌جلسه باشد. با آغاز روند رسیدگی به شکایت و جلب متشاکی یا مظنون به جریان دادرسی، اولین حق مظنون یا متشاکی، تفهیم اتهام به وی است. با تفهیم اتهام به مظنون یا متشاکی، وی متهم بوده و از حقوق متهم در جریان رسیدگی برخوردار است. اگر حق برخورداری از وکیل را در جریان دادرسی یکی از حقوق متهم بدانیم، آیا حضور وکیل در جریان تحقیقات پلیسی ضروری است؟^{۵۳}

در اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به صورت مطلق بر حق برخورداری از وکیل در مرحله دادرسی تأکید شده است. اگر تحقیقات پلیسی یا قضایی از سوی ضابطان قضایی را نیز بخشی از دادرسی بدانیم، در این صورت حتماً حق برخورداری از وکیل، یکی از حقوق اساسی متهم در این مرحله خواهد بود، اما با وجود این نص قانونی، در ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ حق داشتن وکیل در تحقیقات مقدماتی دستخوش محدودیت‌هایی شد.

مرحله تحقیقات مقدماتی قضایی

یکی از ویژگی‌های نظام قضایی ایران در مرحله رسیدگی مقدماتی به اتهامات کیفری، اصل محرمانه بودن رسیدگی است. دادسرا که به عنوان اولین مرجع قضایی، مأموریت رسیدگی به پرونده اتهامی را برعهده دارد، بر اساس این اصل، با توجه جلوگیری از تبانی متهمان یا فرار سایر متهمان یا از بین رفتن ادله جرم، از افشای تحقیقات یا محتوای دلایل خودداری می‌کند و صرفاً به بازجویی و تحقیق از متهم می‌پردازد. در چنین شرایطی، گاهی دادسرا به وکیل متهم به عنوان یک عنصر خارجی و

^{۵۱}-لایمبن، مارین، (۱۳۹۳). عدالت ترمیمی از نظریه تا عملکرد، ترجمه رحمان صبحی، چاپ نخست، انتشارات جنگل، ص ۲۲۸

^{۵۲}-رایت، مارتین و مایز، مایکل (۱۳۸۴)، عدالت ترمیمی، (ارتقا بخشیدن به جلوه بزه دیده محوری)، ترجمه امیر سماواتی پیروز، نشر خلیلیان، ص ۸۴۵

^{۵۳}مک رأی، آلن و هوارد زهر، (۱۳۸۶). نشست‌های گروهی خانوادگی، ترجمه حسین غلامی، چاپ نخست، انتشارات مجد، ص ۴۹۲

نامطلوب می‌نگرد که ممکن است در جریان رسیدگی اخلاقی ایجاد کند و بنابراین، دادسرا در برابر حضور وکیل در این مرحله مقاومت می‌کند.^{۵۴}

البته بنابر آنچه در اصل ۳۵ قانون اساسی و ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری آمده، حق برخورداری متهم از وکیل در همه مراحل از جمله مرحله تحقیقات مقدماتی به رسمیت شناخته شده و به وکیل متهم اجازه داده شده است به عنوان ناظر در جریان تحقیقات حضور داشته باشد و بدون مداخله در تحقیقات و در پایان تحقیقات اگر مطلبی را ضروری دانست، در پرونده منعکس کند. البته همین حق اندک حضور وکیل نیز می‌تواند تا حد زیادی یاری‌گر متهم در دفاع از اتهامات منتسبه باشد. البته ماده ۱۲۸ در تبصره‌های بعدی خود، این حق را با قید بزرگی مواجه کرده است.^{۵۵}

نظریه هگل

هگل حقوق انسان بر زندگی، آزادی و مالکیت؛ حق او بر دفاع از خود؛ و حق او بر اعمال فراگیر آزادی دلخواهانه یا خودمختاری آزادش را در نخستین بخش فلسفه ی حق، یعنی حق انتزاعی، می‌پروراند. علاوه بر این، هگل در حقوق انتزاعی، بنیان‌های آن چیزی که در جامعه ی مدنی انضمامی می‌شود، یعنی یک نظام اقتصادی سرمایه داری (سیستم نیازها) و یک نظام اجرای عدالت لیبرال - عمومی و مساوات طلب که مشخصه اش نظام تأمین اجتماعی است - را می‌یابد. هگل در حق انتزاعی و - در جامعه مدنی، که درباره ی ظهور انضمامی حقوق انتزاعی بحث می‌کند - مواضع محوری لیبرالی را به تمام معنای شان، حفظ می‌کند.^{۵۶}

اما حق انتزاعی غالباً و به تلویح، حاوی نقدی از اغلب نظریه‌های لیبرال است. نقد هگل در دو مقوله ی متمایز جای می‌گیرد. یک مقوله عمده ی آن با محتوای حقوق انتزاعی یا آن گونه که نظریه ی لیبرال آن‌ها را می‌نامد، با حقوق طبیعی سر و کار دارد. هگل برخلاف اغلب لیبرال‌ها، بلافاصله بعد از بحث در مورد حقوق انسان به دولت نمی‌پردازد؛ بلکه پیش از پرداختن به دولت مسیری طولانی را در اخلاق، خانواده و جامعه ی مدنی پیش می‌گیرد.^{۵۷}

نتیجه گیری

از مجموع مطالب مطرح شده و توجه به مواد قانونی موجود در قانون آ.د.ک ایران و قانون آیین دادرسی کیفری حقوق بشر سازمان ملل متحد و اصلاحات اخیر آن و لایحه آ.د.ک که مراحل تصویب خود را پشت سر می‌گذارد نکات و موارد ذیل قابل استنتاج است:

۱- تشریفات قانونی و ضوابط مقرر در بحث تحت نظر در قانون حقوق بشر سازمان ملل متحد در مقایسه با قانون فعلی ایران بسیار گسترده است. چنین به نظر می‌رسد که قانون‌گذار ایرانی این مدت را نه به عنوان یک مرحله دادرسی کیفری، بلکه صرفاً در حد دوره زمانی حد فاصل دستگیری و معرفی نزد مقام قضایی دانسته و بدی دلیل ضرورتی به تعریف حقوق مشخص برای متهم در آن ندیده است. البته در رویه قضایی با تصمیم مقام قضایی فرد ممکن است برای مدتی بیش از ۲۴ ساعت، برای تکمیل تحقیقات نزد ضابطین قضایی نگهداری شود. در لایحه آ.د.ک تا حدودی ضوابطی مشخص برای این مرحله در نظر گرفته شده است.

^{۵۴} گلدوزیان، ایرج، (۱۳۸۵). بایسته‌های حقوقی جزائی عمومی، نشر میزان، چاپ سیزدهم، انتشارات میزان، ۴۷۸

^{۵۵} مارتینز، رنه، (۱۳۸۵)، تاریخ حقوق کیفری در اروپا (ترجمه محمد رضا گودرزی، تهران، مجدص ۱۵۴

^{۵۶} ضیائی بیگدلی، محمد رضا، (۱۳۸۰)، اسلام و حقوق بین الملل، تهران، کتابخانه گنج دانش، ص ۵۲۴

^{۵۷} یوسفی، مراغه، مهدی، (۱۳۹۱) خدمات رسانی به بزه دیدگان، تهران، چ اول، انتشارات جاودانه، جنگل، ص ۵۴۱

۲- در حقوق حقوق بشر سازمان ملل متحد مدت نگهداری فرد، به صورت یک مرحله مهم در فرآیند دادرسی کیفری در نظر گرفته شده است. به منظور رعایت حقوق دفاعی وی و از طرفی ملاحظه منافع عمومی جامعه، قواعد و استثنائات متعددی در این مرحله تعیین گردیده است. اصلاحات قانونی ۱۴ آوریل ۲۰۱۱ که در این تحقیق بدان پرداخته شد گویای تحولات فراوان و نگاه ویژه مقنن حقوق بشر سازمان ملل متحدی به این مرحله از دادرسی کیفری است. گرایش قانونگذار به سمت اعمال محدودیت‌ها و استثنائات بیشتر در مقابل قواعد عمومی و مسلم، همچون تمهیدهای استثنایی و مکرر مدت نگهداری تحت نظر و محرومیت‌های موقت متهم از برخی حقوق، می‌تواند دلیلی بر گرایش امنیت محوری قانونگذار باشد. البته در کنار وضع استثنائات متعدد، قانونگذار فرانسوی سعی نموده تا با وضع تشریفات و تعیین قیود مشخص و محدودکننده، مانع سوء استفاده و تضییع حقوق متهم گردد.

۳- تدوین کنندگان لایحه آ.د.ک به خلأهای قانونی موجود در بحث تحت‌نظر در قانون فعلی آیین دادرسی کیفری توجه داشته و تلاش نموده‌اند تا با بهره‌گیری از نظام قانونی کشورهای مختلف از جمله حقوق بشر سازمان ملل متحد آن را برطرف نمایند. مطالعه و تطبیق مواد مرتبط (که در واقع می‌توان گفت جمعاً ۶ ماده به طور مستقیم به این موضوع اختصاص یافته)، مؤید این مطلب است که جزییات فراوانی از جمله در مدت حداقل و حداکثر نگهداری تحت‌نظر و برخی حقوق متهم در این مدت و استثنائاتی که نسبت به پاره‌ای از این حقوق وضع گردیده مغفول مانده است.

پژوهش حاکی از این است که حقوق بشر سازمان ملل متحد که اساساً حقوقی جهانی اند، بیشترین تقارب را با حق ادعاها دارند علاوه بر این چهار ارتباط یاد شده بحث مفهومی از حق به شیوه‌ای دیگر نیز مورد توجه و مذاکره نظری متفکرین قرار گرفته است. یکی از مهمترین ارکان حقوق بشر سازمان ملل متحد که در ارتباط با اصل برائت بایستی مورد توجه قرار گیرد، بحث کشف جرم می باشد این بحث تشریفات را که بایستی موقع تحقیق و کشف جرم مورد رعایت قرار گیرد مورد بیان قرار داده است و دادستان و مقامات تحقیق و کشف جرم ملزم به رعایت آنها هستند. بر اساس بند ۱ ماده ۲-۵۴ حقوق بشر سازمان ملل متحد «۱- دادستان باید: الف - به منظور کشف واقع، به هنگام تحقیق تمامی وقایع و ادله مربوط را در نظر بگیرد، به نحوی که بتواند مشخص کند که آیا اساساً مسئولیت کیفری موضوع مقررات حقوق کیفری تحقق یافته است یا خیر و اگر پاسخ مثبت است اوضاع و احوال و قرائن له و علیه متهمین را بی طرفانه مورد تحقیق قرار دهد. ب - حقوق اشخاص را که ناشی از مقررات حقوق کیفری است محترم شمارد. اگرچه عملاً اغلب تحقیقات نظیر بازجویی، بازرسی، توقیف اموال و اقدامات مشابه آن به موجب قوانین ملی کشور مورد تقاضا انجام می گیرد ولی حقوق بشر سازمان ملل متحد حقوق افراد را در جریان تحقیقات، مورد حمایت های خاصی قرار داده است. درواقع حقوق بشر سازمان ملل متحد تقریباً فرض را بر این می گذارد که نظام های قضایی ملی برای تأمین حقوق افراد در این زمینه ناکافی و غیر قابل اعتماد می باشند. مقررات مندرج در حقوق بشر سازمان ملل متحد استانداردهای بالا و مدل بهتری را در مقایسه با نظام های ملی مقرر می کند. به موجب ماده ۵۵ حقوق کیفری بشر سازمان ملل متحد، در جریان تحقیق، اشخاص نباید تحت اجبار، اکراه، تهدید و یا شکنجه و یا هر نحو دیگری از رفتار ظالمانه، غیر انسانی و یا تحقیر آمیز یا مجازات تأدیبی قرار گیرند، باید از مساعدت رایگان یک مترجم توانا بهره مند شوند. نباید خودسرانه و بلاجهت دستگیر و بازداشت شوند و نبایستی آزادی آن ها سلب گردد، مگر مطابق جهات و ترتیباتی که در حقوق بشر سازمان ملل متحد مقرر است. یک فرد مظنون به ارتکاب یکی از جرایم تحت صلاحیت دیوان حق دارد تا پیش از بازجویی از سایر حقوق خاص خود مطلع شود. به هر حال حقوق بشر سازمان ملل متحد بطور صریح در ماده ۲-۶۶ اصل را بر بی گناهی اشخاص دانسته است و افراد تا زمانی که اتهام آنان بر طبق حقوق قابل

اجرا دردیوان اثبات نشود، بی گناهی محسوب می شوند و بایستی مثل شهروندان بی گناه با آنها برخورد شود مورد دیگر از نتایج این است که در حقوق کیفری حقوق بشر سازمان ملل متحد حقوق متهم در حین بازجویی به وی گفته شده یا به عبارتی فرد در حین بازجویی نسبت به حقوق خود آگاهی کامل دارد که این کار با حقوق کیفری ایران مغایرت دارد. همین طور نتایج نشان داد بررسی ضمانت اجرایی که قانون برای حقوق دفاعی متهم برای برخورد با آن ها پیش بینی کرده است، شایان توجه است. در قانون، سعی شده که ضمانت اجرایی متناسب با اشخاص حقوقی برای برخورد با آن ها استفاده شود. در حقوق ایران همچون حقوق کیفری حقوق بشر سازمان ملل متحد مجازات هایی چون انحلال، مصادره، جزای نقدی، انتشار حکم، دبه، محرومیت های اجتماعی و اقتصادی مثل ممنوعیت از فعالیت های شغلی، ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه و ممنوعیت از اصدار اسناد تجاری که در ماده ۲۰ و تبصره ۱۴ ذکر شده اند، مجموعه مجازات هایی هستند که با مجازات های معمول برای اشخاص حقیقی، تفاوت نسبی دارند. این مجازات ها از تنوع نسبی نیز برخوردارند؛ لکن آنچه قابل ایراد است، آنکه، جزئیات و شرایط اجرای هر کدام از این مجازات ها مشخص نیست و به عبارتی دیگر در بسیاری از موارد چگونگی اجرای این مجازات ها با ابهام مواجه است. اگر قانونگذار به صورت دقیق و مفصل این جزئیات را مشخص می کرد و یا با الزام تصویب آیین نامه اجرایی این مجازات ها، این امکان را فراهم می آورد، بهتر بود. از آنچه در مورد رویکرد عقلایی به نظام ضمانت اجرای کیفری در حقوق ایران و حقوق بشر سازمان ملل متحد بیان نمودیم می توان به نتایج زیر دست یافت:

از آنجایی که مجازات ها معمولاً در حقوق کیفری حقوق بشر سازمان ملل متحد بایستی با هدف اصلاح و درمان وضع شده باشند و نه اهداف سنتی ای؛ نظیر سرکوبگری، ارباب آور بودن، خشونت زا بودن و ... ؛ لذا چنانچه یک نظام حقوقی، مجازات را تنها ضمانت اجرای هنجارهای جامعه قلمداد نماید به خطا رفته است؛ چرا که امروزه حقوق یک ارزش است و مجازات ها نوعاً ضد ارزش به حساب می آیند. به علاوه، اگر مجازات ضامن اجرای هنجارهای جامعه محسوب گردد، این رویکرد خود نوعی نقض غرض است، چرا که مجازات مظهر کامل قدرت، زور و خشونت محوری در روابط جامعه است و آنجایی که خشونت بر امور حاکم گردد از حقوق خبر و اثری نیست.

منابع و ماخذ

۱. قرآن کریم
۲. آخوندی، محمود (۱۳۹۴)، آیین دادرسی کیفری (اندیشه ها)، جلد ۴، چاپ ۱، تهران: انتشارات مجد. ص ۷۵
۳. آشوری، محمد. (۱۳۹۲). عدالت کیفری: مجموعه مقالات. نشر دادگستر. ص ۸۸
۴. آشوری، محمد. (۱۳۹۳). آیین دادرسی کیفری، تهران: انتشارات سمت، ج ۲۱. ص ۱۶۵
۵. امیدی، جلیل، ۱۳۸۷، قواعد تفسیر قوانین جزایی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، پاییز شماره ۴۱. ص ۱۰۸
۶. امیدی، جلیل، حقوق بشر در دعاوی کیفری بر اساس اسناد بین المللی و منطقه ای، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران) پاییز ۱۳۸۹، شماره ۴۹. ص ۸۹
۷. امیدی، جلیل، حقوق متهم در دادگاه با تکیه بر اسناد بین المللی و منطقه ای مربوط به حقوق بشر، مجله کانون وکلا، زمستان ۱۳۸۹، شماره ۱۷۱. ص ۱۲۱

۸. امید، جلیل، (۱۳۹۳)، حقوق دفاعی متهم، در علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، انتشارات سمت، چاپ نخست، ص ۵۴
۹. انصاری، ولی الله، (۱۳۹۱) حقوق تحقیقات جنایی، تهران، انتشارات سمت، چ ۶، ص ۱۰۸
۱۰. بابایی، محمدعلی، افراسیابی، علی، حق برخورداری متهم از وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی، مجله آموزه های حقوق کیفری، بهار ۱۳۸۹، شماره ۱۳، ص ۸۱
۱۱. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۹۱) ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، چاپ دوم، ص ۸۷
۱۲. حاتمی، علی اصغر، پاییز ۱۳۷۶ و بهار ۱۳۷۷، خسارات معنوی و شیوه های جبران آن در حقوق ایران، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره ۲۵ و ۲۶، ص ۱۴۴
۱۳. حاجی تبار فیروز رجائی، حسن، (۱۳۹۱) بزه دیده شناسی حمایتی افتراقی، انتشارات جنگل، چاپ اول، تهران، ص ۶۵۲
۱۴. خالقی، علی، (۱۳۹۳) نکته ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ نخست، انتشارات شهردانش، ص ۱۲۳
۱۵. دانش، تاج‌زمان، (۱۳۸۷)، «مجرم کیست؟ جرم‌شناسی چیست؟» تهران انتشارات کیهان، چاپ نهم، ج دوم، ص ۸۵
۱۶. داوید، رنه و کامی ژوفره، (۱۳۸۳) نظام های حقوقی معاصر، ترجمه حسین صفایی، چاپ اول، بنیاد حقوقی میزان، ص ۵۵۱
۱۷. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷). لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران، دوم، ج ۱۱ و ۱۳، ص ۱۳
۱۸. ذاکری، مهدی، (۱۳۸۱) فراسوی توسعه قضایی، جلد دوم، چاپ نخست، انتشارات دفتر مطالعات و بررسی های اجتماعی قوه قضائیه، ص ۱۰۱
۱۹. رایت، مارتین و مایز، مایکل (۱۳۸۴)، عدالت ترمیمی، (ارتقا بخشیدن به جلوه بزه دیده محوری)، ترجمه امیر سماواتی پیروز، نشر خلیلیان، ص ۸۴۵
۲۰. سرکشیکیان، سید محمدحسین و جمعی از نویسندگان (۱۳۸۸)، عدم تفاهم سازمانی در طرح امنیت اجتماعی: از مجموعه مقالات کارگروه رویکرد چند نهادی به پیشگیری از جرم، معاونت آموزشی ناجا، ص ۱۴
۲۱. سرکشیکیان، سید محمدحسین و جمعی از نویسندگان (۱۳۸۸)، عدم تفاهم سازمانی در طرح امنیت اجتماعی: از مجموعه مقالات کارگروه رویکرد چند نهادی به پیشگیری از جرم، معاونت آموزشی ناجا، ص ۴۴
۲۲. شمس ناتری، محمد ابراهیم، (۱۳۹۳)، اصل برائت و موارد عدول از آن در حقوق کیفری، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، تهران: سمت، ص ۱۱۳
۲۳. شمس ناتری، محمد ابراهیم (۱۳۹۳)، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، جلد اول، چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان، ص ۸۱
۲۴. شیخ‌الاسلامی، عباس و جمعی از نویسندگان، (۱۳۹۰) جایگاه یافته های جرم شناسی در تحولات نظام تقنینی کیفری ایران: از: علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد آشوری)، چاپ ۴، تهران: انتشارات سمت، ص ۳۹
۲۵. شیرازی، اکبر، (۱۳۹۲) «عدالت قضایی؛ درسی از تجربه و تاریخ»، تهران، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، ص ۳۸
۲۶. شیرازی، عباس، (۱۳۸۵). فرآیند عدالت ترمیمی، مطالعات پیشگیری از جرم، چاپ اول، تهران، ص ۹۵
۲۷. صادقی، هادی، (۱۳۸۸)، «حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اشخاص)»، نشر میزان، تهران، چاپ نهم، ص ۶۵
۲۸. ضیائی بیگدلی، محمد رضا، (۱۳۸۰)، اسلام و حقوق بین الملل، تهران، کتابخانه گنج دانش، ص ۵۲۴

۲۹. غلامی، حسین، (۱۳۹۳). عدالت ترمیمی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم، تهران. ص ۶۵۸
۳۰. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۷) مبانی حقوق عمومی، چاپ سوم، بنیاد حقوقی میزان، ص ۶۹۵
۳۱. کالورلی، ادوین، ۱۹۶۴، دانشنامه جهان اسلام، اهل حق (حقیقت)، ج ۱، چاپ دوم، جهان اسلام. ص ۶۰
۳۲. گلدوزیان، ایرج، (۱۳۸۵). بایسته های حقوقی جزائی عمومی، نشر میزان، چاپ سیزدهم، انتشارات میزان، ص ۱۸۳
۳۳. لازرژ، کریستین (۱۳۹۲). درآمدی بر سیاست جنایی، چاپ چهارم، انتشارات میزان. ص ۳۸۴
۳۴. لایبمن، مارین، (۱۳۹۳). عدالت ترمیمی از نظریه تا عملکرد، ترجمه رحمان صبحی، چاپ نخست، انتشارات جنگل. ص ۲۲۸
۳۵. مارتینز، رنه، (۱۳۸۵)، تاریخ حقوق کیفری در اروپا (ترجمه محمد رضا گودرزی، تهران، مجد. ص ۱۵۴
۳۶. مک رای، آلن و هوارد زهر، (۱۳۸۶). نشست های گروهی خانوادگی، ترجمه حسین غلامی، چاپ نخست، انتشارات مجد. ص ۴۹۲
۳۷. نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۹۲). زندان ؛ درمانگاه بزهکار و بزهکاران؟ (دیباجه)، در برنار بولک، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ سوم: تهران، انتشارات مجد، آبان. ص ۵۶۳
۳۸. یوسفی، مراغه، مهدی، (۱۳۹۱) خدمات رسانی به بزه دیدگان، تهران، چ اول، انتشارات جاودانه، جنگل. ص ۵۴۱